

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت آغاز ششمین سال جنگ

ششمین سال جنگ را به سال نظاهرات و اختصاصات علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید!

و نه مردم عراق. این جنگ به تحریک آمریکای دست رژیم صدام آغاز شد و توسعه رژیم خمینی ادامه یافت. این جنگ یعنی توطئه آمریکا و صدام علیه انقلاب و میهن ما بود. هدف این جنگ افروزی انداختن لوق بتدکمی سرمایه داران به گردن شما بود.

جنگ، در عمر تکبیت بار ۵ ساله خود نیز دیک به یک میایور، همون ما را کشته و مجروح و معلول ساخته است. آمار آوارگان جنگی از مرز سه میلیون گذشته است. بقیه در صفحه ۲

مردم مبارز ایران! با فرارسیدن ۲۱ شهریور، پنج سال از جنگ خانمانسوز ایران و عراق می گذرد، بدون آنکه یابان آن معلوم باشد. اصرار سران جمهوری اسلامی به ادامه جنگ، همه روزنه ها را به سوی صلح بسته است. خمینی و همفکران او در برابر شما بازم مرگ و ویرانی و آوارگی، باز هم وهراس می گسترانند. ۵ سال جنگ را به ما و مردم عراق تحمیل کرده اند. نه ما شروع این جنگ تکلیف را می خواستیم



دوشنبه ۱۱ شهریور برابر دوم سپتامبر ۱۹۸۵
بیان ۶۰ ربات - سال دوم - شماره ۷۲

مسائل ایران در مطبوعات پیشرو جهان

مقاله "عصر جدید" درباره لجن پراکنی ضد شوروی ارگانهای حکومتی ایران

مرویس های جاسوسی ایالات متحده آمریکا، دستیارانشان، سازمانها و دوایر تبلیغاتی، علیه اتحاد شوروی، به راه انداخته اند.

هفته نامه "عصر جدید" می نویسد: "برخی نویسندگان مطبوعات ایران برای پوشاندن حقیقت به دروغ و افترا متوسل می شوند" و در این زمینه به مقاله "کلیان اینترنشنال" که آثر آنتونیف توصیف می کند می پردازد و خاطرنشان می کند: این روزنامه که خواسته است مفر نمایی از راه رخ رقیب، خود، بقیه در صفحه ۱۰

هفته نامه "عصر جدید" در شماره ۲۴ خود به درج مقاله ای در مورد موج جدید دروغ و لجن پراکنی ضد شوروی، در مطبوعات مجاز رژیم ایران پرداخته است. "عصر جدید" می نویسد: نکته برجسته آن است که موج عیسوی ضد شوروی در نشریات گوناگونی مانند "کلیان اینترنشنال"، "تهران تایمز" و "جمهوری اسلامی" و نیز در رادیو تهران از لحاظ زمانی با کارزار ایدئولوژیکی مصادف است که

مرگ بر جنگ، این عفریت مرگ آور!

می گوید.

هزینه های مستقیم جنگی رژیم تا امروز بالغ بر ۲۲۰۰ میلیارد ریال می شود، که تنها هزینه سرانه جنگی در طول سالهای جنگ برای هر ایرانی بیش از ۶۰۰۰۰ ریال می شود. که این رقم نمای هزینه های غیر مستقیم جنگی و هزینه بازسازی خسارات است. هر سال بیش از ۲۰ درصد کل بودجه کشور صرف مقاصد جنگی و نظامی می شود و به این ارقام نجومی باید دیتر هزینه های نظامی را نیز افزود که به طرز پرمعنائی در ردیف "بودجه عمرانی کشور" جا گرفته اند. بقیه در صفحه ۲

چندان زمانی به پایان پنجمین سال جنگ خانمانسوز و ویرانتر نشده است. حکام مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی، که همه کشور را مرصه تاخت و تاز امیال تجاوزکارانه و ضد مردمی خود ساخته و کمر به نابودی همه سرچشمه های آبادانی بسته اند، در تلاشند تا چون سالیان قبل، با برگزاری "هفته جنگ"، بر شیپور جنگ بدمند و نفور آدمسوزی جیبه ها را همچنان گرم نگاه دارند. مرتجعین آزادی کش آدمی خوار، تاکنون بارها و به کرات، با وقاحت بافته در تار و پود اندیشه و کلامشان، اظهار داشته اند که جنگ "رحمت الهی" و رکن هستی و بقا و رژیم جمهوری اسلامی است. جادارد تا توسط آمار تلفات و خسارات، ویرانی ها و آوارگی ها، کارنامه سیاه جنگی رژیم را مرور کنیم.

هزینه های جنگی

در طول سالیان جنگ تکبیت بار، همه ساله بخش کلانی از درآمد ملی صرف مقاصد نظامی و جنگی می شود. رژیم خمینی دسترنج کارگران و زحمتکشان و ثروتهای ملی کشور را صرف خرید تسلیحات و امور نظامی می کند. بدیهی است که باید تمام هزینه ها، جنگی را به حساب خسارات و زیان های ملت ایران منظور کرد، چرا که تمام این وجوه کلان، که صرف جنگ و ویرانی می شود، می توانست در خدمت آبادی و آبادانی کشور قرار گیرد. حال آنکه رژیم جنگ طلب خمینی نه تنها همه ساله بودجه کلانی را صرف جنگ و مظاهر کشورگشایانه خود می کند، بلکه بخشی از بودجه اندک عمرانی کشور را نیز در این راه بکار

ویکتورخارا: در صفحه ۹
استاد دوم شبیلی

مقاله "عصر جدید" درباره لجن پراکنی ضد شوروی ارگانهای حکومتی ایران

دیپلوماسی مرکزی حزب کمونیست شیلی:

ائتلاف نیروهای ضد دیکتاتوری فراگیر می شود

شیلی، نمایندگی می کرد. علاوه بر این، او در زمان حکومت "اتحاد مردمی" مشاغل مهمی در اقتصاد بر عهده داشت و از جمله وزیر مشاور در دولت آینده بود.

رفیق میلان در این مصاحبه مواضع حزب کمونیست شیلی را نسبت به تحولات جاری تشریح می کند. به عقیده او جنبش فزاینده توده ای "به صف بندی جدید نیروهای مبارز علیه دیکتاتور می انجامد" این امر در کشور آرایش جدیدی ایجاد خواهد کرد که بر اساس آن، پیشرفت تا مرحله سرنگونی رژیم پینوشه بسیار سریع تر انجام خواهد گرفت. در تحولات جاری و در متحد ساختن نیروهای ضد دیکتاتور، حزب کمونیست نقش برجسته ای ایفا می کند. حزب در شرایطی و تالیف انقلابی و بغرنج خود را پیش می برد که هم چنان به توسعه یافته، سرکوب می شود. خواه این امر، قتل به تن از اعضای حزب در اواخر ماه مارس است. آمارها ابتدا شگفتی برده و پس از اینکه گلویشان را بریدند در بجاده ای، متروک انداختند. با این همه حزب کمونیست که پتان

در روز بیستم شهریورماه سال ۱۹۷۲ بود که ژنرال پینوشه سرپرده کودتای خونین خود را در شیلی انجام داد. در همین روز بود که سانوادور آینده رئیس جمهور برنزیوید مردم شیلی به شهادت رسید. در ایران از انزجار نسبت به جنایات رژیم پینوشه و در پشتیبانی از مبارزات مردم شیلی، همه ساله در هفته منتهی به این روز، در سطح جهان نیروهای مترقی و پیشرو اجتماعات و مراسم برپا می کنند. این هفته که از ۱۲ شهریور آغاز می شود به نام "هفته همبستگی جهانی با خلق شیلی" نامیده شده است. به این مناسبت و برای آشنائی با اوضاع نفوذی و جنبش مردمی در شیلی در این شماره مصاحبه ای از رفیق ارلاندمیلان عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی را درج می کنیم. این مصاحبه پینودی پیش توسعه یکی از خیرنکاران تبلیغاتی مابین اروپا تهیه شده بود و از آنجا که نام بردن از ارلاندمیلان در شیلی ممنوع است، در این کشور اجازه انتشار نیافت.

ارلاندمیلان سالها حزب خود را هم در مجلس نمایندگان و هم در مجلس سنا، یعنی هر دو مجلس گذرگاه ملی

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیزیم!

بقیه از صفحه اول

بنا به اعتراف های بانکی، تقریباً ۵۰۰ اعتبارات عراقی کشور نیز صرف جنگ می شود. (اطلاعات ۶۲/۷/۲). حال اگر همه این ارقام را بیجا در نظر بگیریم و همه اعتراضات بیجا و گریخته مسئولین را نیز دخالت دهیم، بودجه دفاعی و جنگی کشور در طی سالیان جنگ بالغ بر ۵۵۰۰ میلیارد ریال خواهد شد. در همین مدت ۲۵ میلیارد دلار صرف خرید اسلحه از فاجاچیپان بین المللی و ادوات اسلحه سازی شده است.

جای کمترین بحثی نیست، که با این ارقام نجومی و کلان، به سولت می شد، صدها بیمارستان و مراکز آموزشی، صدها واحد تولیدی و صنعتی، هزاران کیلومتر راه، هزاران واحد مسکونی، دهها و صدها پروژه آبرسانی و برق رسانی عظیم و... را اجرا و احداث نمود. ولی رژیم خونخوار حاکم، ناپت شد و همانقدر تجربه عملی ناپت کرد که اکثر دولت ها داشته باند، بر مراتب بیش از این ارقام را صرف جنگ افروزی و لشکرکشی خواهد نمود. در واقع امر، آنها تا آنجا که توانستند دارائی های دولتی را نیز به منظور تامین بودجه جنگی خود، به بخش خصوصی فروختند.

خراج نفت به

منظور تامین هزینه های جنگی

با کسرتش دامنه و شدت گیری جنگ، رژیم جمهوری اسلامی به حربه -جراچ بی سابقه نفت و دیگر ثروت های ملی کشور رو، آورد. آنها که در نامین مبالغ منتفعت بوده جنگی عامیز بودند، تلاش ورزیدند تا با به آتش کشیدن ثروت های ملی کشور، وجوه لازمه را برای ادامه جنگ کرده آورده و به چاه ویل این جنگ تکمیت بار سرازیر کنند. آقای غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی، رسا اعلام کرد که: " امروز مردم در حال جنگیدن هستند و برای این منظور باید نفت فروخت تا بتوان جنگید. ما قیمت نفت را تا ۲ دلار پائین آوردیم." (کیهان ۶۲/۲/۱۶). با این تخفیف ویژه، دولت جمهوری اسلامی روزانه میلیونها دلار از دارایی مردم را به جیب انحصارات نفتخوار سرازیر کرد.

شاهد بسیاری در دست است که رژیم به همین "تخفیف کلان" نیز بسنده نکرده و در معاملات سری خود با دیگر دول، نفت را بر مراتب ارزانتر از این ارقام به فروش رسانده

مرگ بر جنگ، این عفریت مرگ آور!



(نومردن آژانویه ۱۹۸۵)

زبان و ضرر به این موارد خاتمه نمی یابد. رژیم جمهوری اسلامی برای تامین بودجه جنگی خود، مقول وار به استخراج و فروش نفت دست زده است. استخراج بی رویه نفت و شیوه های غیر اصولی استخراج، باعث هرز رفتن مقادیر انبوهی از این ثروت ملی گشته است. بر حسب تحقیق کارشناسان نفت، با میزان صدور روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت، طی پنجسال یعنی از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۷، میزان هرز رفت نفت به رقم نجومی (۸۲۴/۸۲۶۰۰/۰۰۰) ریال بالغ خواهد شد. اما حکام رژیم را پروای این سائل نیست. هزینه جنگی را بهر قیمت باید تامین کند. یکی از نمایندگان مجلس با وقاحت تمام در این باره اعلام نمود که: " بهیچوجه عقلایی نیست که ما به این دلیل که منتفعت، آن هم با محاسبات نادرست بشری، چند ده سال دیگر با نبود نفت مواجه شویم، در سانهای آینده انقلاب را در معرض تهدید قرار دهیم." (اطلاعات ۶۲/۱۲/۱۴)



خسارات و تلفات جنگ

منظور این کارکنان خمینی از نامه مقدس " انقلاب " همانا رژیم بعثیت بار جمهوری اسلامی است، که بر آن است تا با بکارگیری تمامی ذخایر نفتی کشور، آتش جنگ را شعله ور نگهدارد.

این جنگ تکمیت بار و خونین، باعث خسارات و تلفات بی شماری شده است. قریب به ۱ میلیون نفر از مردم کشورمان در اثر این جنگ ضالمانه، کشته، زخمی و معلول شده اند. بسیاری از مردم عراق، نیز در این جنگ کتیف، جان خود را از دست داده اند. بتارگری، شیوه های ضد انسانی و وحشیانه از قبیل استفاده از سلاح های شیمیایی نیز بر میزان تلفات بسیار افزوده است. جنگ شیرما، با هدف گیری مردم غیر نظامی و مناجاتی مسکونی، نقطه عطفی در مسابقه دد نشی میان دو رژیم تبهکار حاکم بر ایران و عراق بر جای گذاشت.

تا کنون بیش از ۲ میلیون نفر از مردم دو کشور بی خانمان و آواره شده اند. وضعیت زندگی این آوارگان بسیار درد آور و متأسف کننده است. کمک های بنیاد جنگ زدگان اولاً شامل همه آوارگان جنگی نمی شود و ثانیاً آنقدر ناچیز است (نزدیک به ۱۲ تومان در روز) که از حداقل امکانات زندگی نیز به مراتب پائین تر است.

خسارات مادی این جنگ، به ارقام کلان و سرسام آور، سر می زند. میزان خسارات وارده کنونی، با درآمد ناشی از تولید و فروش نفت بیش از ۱۵ سال کشور برابری می کند. طبق آمار رسمی، میزان خسارات وارده بر کشور تا ۲۵۰ میلیارد دلار بالغ می شود.

تا کنون دهها واحد صنعتی و تولیدی بزرگ و از جمله پالایشگاه عظیم آبادان خسارات و آسیب فراوانی دیده اند، هزاران واحد مسکونی و تجاری با خاک یکسان شده اند. تنها میزان خسارات برآورد شده به بخش کشاورزی کشورمان به چند ده میلیارد دلار بالغ می شود. در عرصه نفت و پالایشگاهها و تاسیسات نفتی، میزان خسارات وارده آنقدر سنگین است که تعیین دقیق رقم آن به سادگی میسر نیست.

میزان خسارات سرانه هر ایرانی در طول سالیان جنگ از رقم ۶۰ هزار تومان بسی فراتر می رود. این رقم برای یک خانواده چهار نفره بالغ بر ۲۴۰ هزار تومان می شود، حال آنکه

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت آغاز ششمین سال جنگ

ششمین سال جنگ را به سال ظواهرات و اعتصابات علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید!

بقیه از صفحه اول

تساروت جنگ - تنهاتاً پایان سال ۶۱ با ۱۶۲ میلیارد و ۶۹۶ میلیون و ۷۵ هزار دلار محاسبه شده است. طی سه سال اول جنگ، ۱۲۰۰ میلیارد ریال یعنی آمار خود رژیم صرف هزینه‌های جنگ شده که اکنون، به رقم نجومی ۲۲۰۰ میلیارد ریال نیز بالغ می‌شود.

خروج روزانه جنگ برای کشور، مبلغی بیش از ۲۰۰ میلیون تومان است. به اعتراف سران، خیانتکار رژیم، بیش از یک سوم بودجه سالانه کشور صرف هزینه‌های جنگ می‌شود. ۷۰ درصد اعتبارات عمرانی کشور و رقمی معادل آن از بودجه مریوطه به آموزش ابتدایی و عالی، بهداشت و امور درمانی، بیمه و خدمات اجتماعی، به هزینه‌های جنگ اختصاص یافته است.

اما جنگ بدلخواه خمینی پیش نمی‌رود. تلاش جمهوری اسلامی برای پیروزی نظامی شکست خورده و رژیم در باطلات جنگ گیر کرده است. او هر چه بیشتر تقلا می‌کند، بیشتر در آن فرو می‌رود. تلاش‌های مذکور، خانه خمینی جزیه شکست او، بزرگه کشتار فرزندان عزیز شما منجر نشده و نمی‌شود. رژیم در جنگ به بن بست رسیده است. سران جمهوری، اسلامی و شخص خمینی برای خروج از این بن بست، برای پیروزی در جنگ به هر ترفندی دست می‌زنند و با هر شیله‌ای متحد می‌شوند. آنها حاضرند در در راه آمل بنید خود، همه جوانان کشور را نابود کنند و همه کشور را ویران سازند. آنها که همه نوع امتیاز به امپریالیست‌ها، اروپایی و ژاپن می‌دهند، قادر این جنگ به جای صدام از سوی عوری اسلامی حمایت کنند، اکنون آشکارا از آمریکا هم استمداد می‌طلبند و آماده‌اند به بهانه محکم کردن رژیم برای وابستگی همه جانبه کشور ما به امپریالیسم آمریکا، با سلاح بیرون، در جنگ را در سیلابی از خون جوانان شما جشن بگیرند. اما آمریکا همچنان امتیازات بیشتر، درخواست می‌کند و با تهدید و ترغیب، رژیم خمینی را به معامله کلان بر سر منافذ و مصالح ملی و میهنی مافرا می‌خواند.

خمینی جنگ را ادامه داد، چون خیال می‌کرد به این وسیله حکومت خود را محکم می‌کند و جمهوری اسلامی را در عراق برپا می‌سازد. او دام جنگ را در راه شما گسرنده ولی - بالا خودش گیر افتاده است. حالاً همه علیه جنگ هستند، مبارزه و مقاومت شما علیه جنگ، سران جمهوری، اسلامی را به وحشت انداخته است. آنها در جنبش ضد جنگ شما، آینده رژیم شیخار خود را در خطر می‌بینند. از اتحاد و مبارزه شما علیه جنگ بیشتر از بمب اتم و توب و تانک صدام می‌ترسند. دیدید رژیم خمینی با تظاهرات حق طلبانه مردم ۱۲ استان چه کرد و چگونه نیروهایش را از جیبیه مقابل صدام جهانی مقابل با شما فراخواند. اگر شما یکبار چه و متحد علیه جنگ بجاخیزید، رژیم خمینی نمی‌تواند ایستادگی کند. کلید صلح در دست شما است. نیروهای ترقیخواه، صلح طلب ایران!

صلح، خواست فروری همه مردم ایران است و بیشترین نیرو را علیه جمهوری اسلامی بسیج می‌کند و بیشترین اختلاف را در حکومتیان می‌آفریند. همه مخالف و احزاب صلح دوست جهان و همه بشریت ترقیخواه پشتیبان مبارزه صلح طلبانه ما هستند. مصلحت و استوار، علیه جنگ متحد شویم، به شصت و نفرقه در صفوف خود پایان دهیم. مردم از همه ما اتحاد و یگانگی می‌طلبند. به ندای به حق آنان پاسخ مثبت دهیم. با اتحاد خود عمر جنگ و رژیم را کوتاه سازیم!

هموطنان مبارز!

اسال هم سران رژیم می‌گویند هفته جنگ به راه اندزد، شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "موتی جواب موتی" را شعار مردم جا بزنند و هزاران نفر دیگر را روانه کشتارگاه کنند. آنچه خواهند نوشتید با هیاهو و جذبات و با سو استفاده از احساسات مذهبی یا ایجاب رعب و وحشت در جامعه، جنگ را ادامه دهند. هفته جنگ را به هفته مبارزه همه جانبه علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید. مانع اعزام فرزندان و عزیزان خود به جیبیه شوید، در جیبیه و پشت جیبیه علیه جنگ آبیای کنید. مراسم تشییع و ختم قربانیان جنگ را به نمایش اعتراض خود علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید. در کارخانه‌ها و اداره‌ها، برای صلح اعتصاب کنید، یادگاری قرارگاه‌های پاسداران را با شعار صلح بیوشانید و ماشین جنگی رژیم را فاج کنید. در محلات و خیابانها تظاهرات کنید، از هر فرصتی استفاده کنید و علیه جنگ، علیه خمینی جنگ افروز اعتصاب و تظاهرات برپا سازید.

هموطنان آگاه و مبارز!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سرتاسر کشور، برای متحد و مساعدت کردن مبارزه مردم علیه جنگ و جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند، تا صلح به کشور باز گردد، حکومت خمینی سرنگون شود و به جای آن حکومت خلق مستقر گردد. از مبارزه فدائیان خلق حمایت کنید، پیوند خود را با آنان محکم تر سازید. به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مدافع پیشتیر راه استقلال میهن و آزادی و خوشحالی مردم ایران ببینید تا به جنگ و جمهوری اسلامی پایان دهیم و صلح و جمهوری ملی - دموکراتیک را در کشور برقرار کنیم.

زنده باد صلح

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرخوئی جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهریور ۱۳۶۴

آمریکا، مراجعه کرده و می‌کند. این قضیه تا بدان حد آشکار است که اینها و آنجا، دانسته و پنداشته در سخنان مسئولین دولتی نیز انعکاس می‌یابد. همین چندی پیش بود که یکی از نمایندگان مجلس عنوان نمود: " ما برای خرید سلاح جذب بازارهای خارجی شده ایم و باعث ترسندگی شدیم. دلالتها و سرمایه‌داران وابسته به سوسیالیسم کشته‌ایم." (کپهان، ۲۲ مرداد ۶۲)

سرمخت سلیمی، وزیر دفاع پیشین نیز در این رابطه وقیفانه اعتراف کرده بود که: " ما هر معامله‌ای که داریم با آنها و با شرکت‌هاست و آن هم مشروط بر اینکه آن کشور سازنده و متبوع آن شرکت اجازه خروج بدهند." (اطلاعات ۲۶ مرداد ۶۲)

اینها همتی خواهد غیر قابل انکاری می‌باشند. هم اینک رسانه‌های آمریکا سر و صدا و جنجال بر پا کرده‌اند که عده‌ای را به جرم قاچاق اسلحه به ایران، بازداشت کرده‌اند. حال آنکه چون روز روشن است که قاچاقچیان اسلحه تنها با توافق انحصارات نظامی سازمان سیا و پنتاگون قادرند سلاحهای مورد نیاز جمهوری اسلامی را به این حکومت به فروش برسانند. بدیهی است که این جار و جنجال‌ها، تنها به قصد فریب افکار عمومی مردم آمریکا و همچنین برای جلب نظر بیشتر رژیم خمینی می‌باشد، تا امتیازات بیشتر، را بیفت آورند.

قاچاقچیان بین المللی اسلحه که عموماً عضو سازمان سیا و یادار ارتبا با آن سازمان می‌باشند، تاکنون از قبل فروش سلاح به جمهوری اسلامی، صدها میلیون دلار سود به جیب زده‌اند.

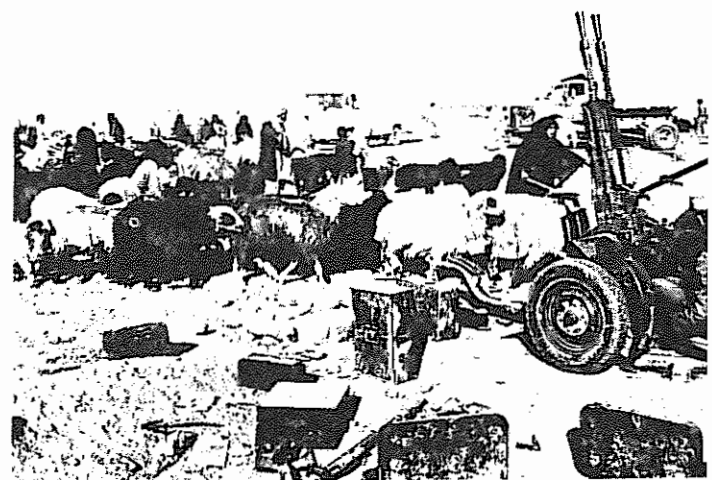
با کسرتش جنگ ایران و عراق، در نیمه آخر سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳، بقیه در صفحه ۱

ی کارخانه‌مند در همین مدت زمان تنها ۱۱ هزار تومان حقوق دریافت کرده است! جبران خسارت وارده به کشور، همانطور که ذکر شد، معادل سالیان سال تولید و فروش نفت و معادل سالها رنج و زحمت مردم کشور ما خواهد بود. حال آنکه جبران جان‌هایی که در آتش سیاستهای جنگ طلبانه رژیم سوختند، اصولاً هیئت‌نامه میسر نیست.

خرید تسلیحات

ممانتونه که اشاره شد، رژیم خمینی تاکنون، حد اقل ۲۵ میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات نظامی از دلایر بین المللی اسلحه و انحصارات نظامی نموده است. سیاست کشورهای امپریالیستی و انحصارات نظامی در این راستا، فشار هر چه بیشتر به حکومت خمینی و مبتنی بر گرفتن امتیازات هر چه بیشتر بوده است. حکومت جمهوری اسلامی که برای گسترش جنگ نیازمند واسطه‌ی دکی و نهادهای لازمه سلاحهای پیشین کشور و همچنین دریافت سلاحهای جدید بوده و هست، برای تامین این جنگ افزارها، به کیفیت ترین و ناعادلانه ترین معاملات کردن نهاده است. حکام مرتجع جمهوری اسلامی، با پول ملت، سر میز معامله با قاچاقچیان بین المللی نشسته و سلاحهای مورد نیاز خود را به چند برابر قیمت خریداری می‌کنند.

موسوی نخست‌وزیر در این رابطه صریحاً اعلام کرده بود که "ما از هر جا که اسلحه بدست می‌آید، آن را خریداری می‌کنیم." (اطلاعات ۶۲/۷/۷). بدیهی است که تمام سلاحها و جنگ افزارهای رژیم ساخت آمریکا و کشورهای غربی است. از اینرو رژیم برای بدست آوردن سلاحهای مورد نیاز خود به منفورترین رژیم‌ها از اسرائیل گرفته تا خود



خبرهای جنگ

در هفته گذشته نیز طبق معمول ستاد مشترک اطلاعاتیهایی در مورد "تبادل آتش" در جبهه‌ها، مختلف انتشار داد. دوحمله محدود نیز صورت گرفت که اولی در جبهه قصر شیرین و دومی در ناحیه پیش انگیز بود.

در روزهای یکشنبه و جمعه هفته گذشته عراق دومین و سومین حمله اخیر خود را به جزیره خارک صورت داد. حمله اول به خارک در روز ۲۴ مرداد صورت گرفته بود. سرفرماندهی ارتش عراق مدعی شده است که در روز یکشنبه ۸ بمب و در روز جمعه ۱۲ بمب بر روی جزیره نفتی خارک فروریخته است. وزن هر یک از این بمبها ۵۰۰ کیلوگرم اعلام شده است.

حملات اخیر به خارک، امر صدور نفت از این جزیره را با مشکلات تازه‌تری مواجه ساخته است. روز دوشنبه هفته گذشته ولایتی از سفر به سوریه به تهران بازگشت. در بیانیه‌ای که در پایان اجلاس وزرای خارجه لیبی، سوریه و جمهوری اسلامی در دمشق انتشار یافت نظرات جمهوری اسلامی در قبال جنگ با عراق به تمامی اندکس نیافته است. در این بیانیه سرنویسی صدام تا به جمهوری اسلامی بنگه به مردم عراق محول شده است.

نامنه‌ای در سفرانی روز پنجشنبه خود در مشهد مهمترین وظیفه مسئولین جمهوری اسلامی در قبال جنگ را "سازماندهی دقیق نیروهای نظامی برای وارد کردن ضربات هر چه کوبنده‌تر" توصیف کرد. وی بر شعار "جنگ - جنگ - تا پیروزی" تأکید کرد و لی از "حمله نهایی" سخنی به میان نیاورد.

حمله شدید وزیر کار به کاشانی

کاندیدای انتخابات رئیس جمهوری

درگیری بر سر اجراء بست نخست وزیری به شدت ادامه دارد. موسوی و عده‌ای از اعضای کابینه او در روزهای اخیر با استفاده از فرصت مفتی‌های که در جمهوری اسلامی "هفته دولت" نامیده می‌شود، به شدت به دفاع از عملکردهای دولت قبلی پرداخته‌اند تا راه ابقای آن را هموار سازند.

برخورد سریع و علنی با مخالفان دولت فعلی در درون رژیم با مصاحبه مطبوعاتی ۲۸ مرداد موسوی آغاز شد. سرحدی زاده وزیر کار در ادامه این مصاحبه، در طی گفتگویی با کیهان ۲۰ مرداد ضمن دفاع از عملکرد دولت، مقابله با تبلیغات دو کاندیدای ناکام انتخابات رئیس جمهوری را بیانه کرد تا به همه انتقاداتی که از سوی مخالفان کابینه فعلی در دوران حکومت به دولت موسوی وارد می‌شود، پاسخ گوید. وی حمله خود را بر روی کاشانی یکی از کاندیداهای انتخابات انبیر متمرکز کرد. وی بدون ذکر نام کاشانی او را فردی توصیف کرد که "تمام الهاماتش را از مظفر بقایی می‌گیرد." پیش کشیدن اسم "مظفر بقایی" نشان می‌دهد که تنها "آیت" از مریدان او نبوده و این عنصر خائن و وابسته همچنان در وقایع پشت پرده جمهوری اسلامی نقش دارد.

سرحدی زاده در گفتگویی خود با کیهان از شورای نگهبان گلایه کرد که چرا کاندیداتوری

کاشانی را تأیید کرده است.

افشاکری سرحدی زاده در مورد کاشانی در واقع نوعی خودافشاکری است. آثانی که بر سر سفره غارت نشسته‌اند با انشای یکدیگر کلیت رژیم را افشا می‌کنند.

تفکیک وظایف شهر بانی و کمیته

حزب اسلام سالک سرپرست کمیته‌ها، ملی یک مساحبه مطبوعاتی لرح تفکیک وظایف کمیته و شهربانی را تشریح کرد. وی گفت: "در این طرح، شه بانی جمهوری اسلامی بعنوان پلیس انتظامی - خدماتی و کمیته انقلاب اسلامی، بعنوان پلیس انتظامی - سیاسی شناخته شده است."

حزب اسلام سالک در توضیح بیشتر این موضوع گفت وظایفی از قبیل انجام امور اداری، تشنیه هویت، راهنمایی و رانندگی - صدور گذرنامه، حفاظت از سفارتخانه و مهران رسمی بر عهده شهربانی و وظایفی از قبیل پیگرد و سرکوب سیاسی، سرکوب تظاهرات و اعتصابات و کنترلهای شیبانی بر عهده کمیته است. امور مربوط به مواد مخدر و مبارزه با بی حجابی نیز به کمیته سپرده شده است.

تشدید تبلیغات ضد افغانی

در روزهای اخیر همزمان با تشکیل کنفرانس ژنو که به مذاکره در مورد مسائل افغانستان اختصاص دارد، در رسانه‌ها، گروهی جمهوری اسلامی تبلیغات

اعزام اجباری پزشکان به جبهه

درمانی کشور را در خدمت سیاست تدوام جنگ قرار داده است و این در حالی است که کمبود امکانات درمانی و شیوع بیماری‌های مختلف به یکی از مسائل حاد جامعه تبدیل شده است. عکسی که در زیر مشاهده می‌کنید تنها یکی از نمودهای کوچک فقر امکانات درمانی در کشور است. بیماران باید ساعت‌ها در اتاق انتظار بیمارستان‌ها بنشینند و دست آخر با این جواب مواجه شوند "که دکتر نداریم. پزشکان ما به جبهه اعزام شده‌اند!"

جمهوری اسلامی بخت اعظم امکانات بهداشتی





اعتماد در کارخانه اتمسفر

طبقه بندی مشاغل، از سوی مدیران و-اندامای معنی بگونه ای اجرا می شود که در موارد بسیاری فوق کارگران یا ثابت مانده و یا حتی تنزل یابد. با پیگیری و هتیار کارگران، برنخا باعث می شود، اجرای این طرح باعث افزایش حقوق کارگران بدد. از جمله در پی اعتراضات کارگران کارخانه سفر و به واسطه هتیار و پیگیری آنان، این طرح نونه ای تصویب شد که بر اساس آن حقوق کارگران بایست ۱۷ در صد افزایش یابد، مدیریت از برای این طرح چوتگیری کرد، که این باعث تراض کارگران گشت. ۴۰۰ نفر از کارگران پیارچه دست به اعتصاب زدند، که در اثر این تمصاب مدیر امور اداری کارخانه که شخص ضد زگری بود و در اجرای طرح اختلال می کرد، برکنار

اعتصاب در کشتارگاه شیراز

چندی پیش، عده ای از کارگران کشتارگاه از دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران نهمای افزایش سطح دستمزدها بود. مسئولین کارگاه با شناختی که از وضع نابسامان اقتصادی زگران داشتند، از افزایش حقوق امتناع ورزیدند. زگران اعتصابی پس از یک هفته، اعتماد تحت ارهای مالی، موقتا عقب نشینی کردند.

اخراج جمعی کارگران و کارمندان ادامه دارد

مدتی است که مسئولین دولتی و مدیران خانججات و ادارات به بهانه های گوناگون از قبیل بد بودجه، فقدان مواد اولیه و... اقدام به اخراج جمعی کارگران و کارمندان می نمایند. اختیار موطبه برخی از این اخراج های دستجمعی به شرح است:

* در کارخانه کندم بار (وابسته به سازمان غله ان) ۲۰ نفر از کارگران را به بهانه نداشتن وجه، اخراج نمودند.

* در شرکت هاماراک ۲۰۰ تن از کارکنان را اج کردند. اغلب اخراج شدگان را کارکنان زن نیز می دهند.

* در کارخانه اونیورسال، عده ای از زنان کرا را اخراج یا بازخرید نمودند.

* ۶۰ نفر از کارکنان قراردادی، سازمان امور

استخدامی را در هفته آخر تیر ماه، از کار اخراج کردند.

* در اداره رادیو تعداد کثیری از کارمندان به دستور مسئولین اخراج شدند.

* عده ای از کارکنان دیوان مناسبات نیز به بنانه های واهی از کار اخراج گردیدند.

همبستگی کارگران

با گسترده شدن روند اخراج کارگران از کارخانه ها و واحدهای تولیدی، همبستگی بین کارگران در اعتراض بیکارچه به این سیاست ضد نازگری افزایش یافته است. دو شماره های گذشته خبرهایی در این زمینه را در همین صفحه درج کرده بودیم. در این شماره به دو خبر دیگر توجه کنید.

* در ۱۷ خرداد ماه، ۷۰ کارگر یک کارخانه موقتا جر قهیل های فرانسوی در تهران برای چوتگیری از اخراج یک کارگر، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با پیروزی کارگران خاتمه یافت.

* چندی پیش کارگران کارخانه ماشین سازی مهندس فرمند در مخالفت با اخراج یکی از کارگران اقدام به اعتصاب نمودند. لازم به تذکر است که این کارخانه متعلق به بخش خصوصی می باشد.

اعتراض کارگران

به تاخیر در پرداخت حقوق

مدتی است که رژیم جمهوری اسلامی از پرداخت حقوق کارگران و کارمندان در موعد مقرر سر باز می زند. تعویق در پرداخت حقوق کارگران و کارمندان باعث اعتراضات گسترده ای شده است. تاکنون کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود از همه شیوه ها، از جمله نامه نویسی، مراجعه و انتخابات نماینده استفاده کرده اند. کارگران برخی از کارخانه ها، برای اعتراض به مسئولین و همچنین دریافت حقوق خود، دست به اعتصاب زده اند. برخی از اخبار این اعتصابات در شماره های گذشته نشریه انعکاس یافت، در این شماره، اخبار دیگری در این زمینه ارائه می شود:

* در روز دهم تیر ماه، کارگران روزمزد نیروگاه برق قزوین، به منظور دریافت دستمزدهای معوقه خود، دست به اعتصاب زدند. مدتی بود که مسئولین، حقوق کارگران را با یکی دو ماه تاخیر پرداخت می کردند. همچنین نماینده کارگران را که برای پیگیری این منظور به مسئولین مراجعه کرده بسود، اخراج کردند. اعتصاب دهم تیر ماه با پیروزی به پایان رسید و مسئولین همه طلب کارگران و حقوق معوقه را پرداخت نمودند.

* کارگران کارخانه کولر سازی نسیم، چندی پیش در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه،

دست از کار کشیدند و اعلام اعتصاب نمودند. این اعتصاب نیز با پیروزی کارگران پایان یافت.

* در کارخانه ریستدگی و بافندگی ایتکار، نیز حقوق کارگران با تاخیر چند ماهه پرداخت می شود، علاوه بر آن عیدی کارگران نیز تاکنون پرداخت نشده است. کارگران در اعتراض به این وضعیت دست به اقدامات اعتراضی زده اند، از جمله اقدامات اعتراضی آنها، دست زدن به کم تباری است. اعتراض کارگران، کماکان ادامه دارد.

تظاهرات در شاد شهر کرج

امالی شاد شهر کرج، عموما زحمات کثیری و غالبا کارگران کارخانجات همان منطقه می باشند. این شرکت فاقد هر گونه امکان رفاهی از قبیل آب و برق، می باشد. مدتها بود که اعتراضات و درخواستهای امالی از جانب مسئولین با بی اعتنائی مواجبه می شد. از اینرو امالی این محل در اوایل خرداد ماه، ملی یک حرکت اعتراضی اقدام به تظاهرات و مسدود ساختن خیابانها و گذرگاههای این محل نمودند.

درگیری دستفروشان و مامورین رژیم

در غروب روز ۲۲ تیر ماه، مامورین کمیته و شهرداری به دستفروشان مقابل در ورودی پارک لاله تهران حمله کردند. حمله و حشیانه مامورین باعث انزجار و خشم مردم و دستفروشان گردید. در برابر این تجاوز، گروهی از دستفروشان و مردم حاضر که قریب به ۲۰۰ نفر بودند، دست به مقابله و مقاومت زدند. دستفروشان با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند.

تحصیل رایگان بعد از پرداخت شهریه

در سال تحصیلی گذشته، مسئولین بسیاری از مدارس، به هنگام ثبت نام دانش آموزان، والدین آنها را به منظور گرفتن شهریه تحت فشار قرار دادند. روند اخذ شهریه در سال جاری، نیز با شدت بیشتری صورت می گیرد. اکنون که فصل ثبت نام آغاز شده است مدیران مدارس به دستور مسئولین آموزش و پرورش با توسل به بیانهای گوناگون و گاه بطور مشخص تحت عنوان شهریه، از والدین دانش آموزان وجوهی را اخذ می کنند. به نمونه از تهران در این رابطه توجه کنید:

* در دبستان دخترانه زینب واقع در خیابان نواجه عبدالله، از والدین هر دانش آموز مبلغ ۵۰۰۰ ریال بابت شهریه دریافت می کنند. والدین به خاطر ثبت نام فرزندان خود، ناگزیر به پرداخت این مبلغ هستند، در غیر اینصورت مسئولین از ثبت نام خودداری می ورزند.

* در مدرسه معاد واقع در تهرانپارس، از والدین دانش آموزان می خواهند تا قبض های کمی، مالی خرید آری کنند. بدیهی است ثبت نام فرزندان آنها مشروط به خریدن تعدادی از این قبوض می باشد.

در ماههای اخیر در برخی محافل ایرانیان مقیم خارج از دیدگاههای گوناگون، جوانب اخلاقی و اجتماعی مسأله ازدواج و همسرگزینی، اهداف و معیارهای آن، بیش از گذشته مورد بحث بوده و مطالب زیادی در این زمینهها انتشار یافته است. اما جوانب نظری مسأله اصولاً کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تشریح دیدگاه مارکسیستی در مسأله همسرگزینی و ازدواج می تواند ملاک روشنی را برای تفکیک و تشخیص دیدگاههای ترقیخواهانه و واپسگرایانه ارائه دهد. اهمیت ترویج دیدگاه مارکسیستی در این زمینه در وضوح فعلی بویژه از این نظر برجستگی می یابد که توجه کنیم چگونه دیدگاههای بجا مانده از دوران بربریت و از مدر اسلام و عصر فتودالیسم در محافل با دیدگاههای بورژوازی معاصر خودنمایی کرده تا یک تاز میدان فتح مغزهای بکر کردند.

برای مارکسیست - لنینیست ها همواره اخلاق و چگونگی مناسبات انسانها در زندگی شخصی و خصوصی اهمیتی فوق العاده داشته است. بنیانگذاران کمونیسم علمی، مارکس، انگلس و لنین و نیز روند ۱۴۰ ساله تکامل اندیشه آنان در جهان بدو درخشانی نابت می کنند آنچه را که بورژوازی و دیگر طبقات ستمگر در طول تاریخ کوشش کرده اند تحت عنوان "اخلاق" و "معنویت" در میان زحمتکش رواج دهند از جمله آنچه که مروجین بورژوازی و متفکرین فتودالیسم در زمینه مسئله همسرگزینی، ازدواج و مناسبات زن و مرد در زندگی اجتماعی ترویج می کنند و آنچه که آنان از نظر مارکسیسم در این زمینه عنوان می کنند، عمیقاً عوامفریبانه، غیراصولی و ضدانسانی است. تبلیغات وسیعی که علیه مارکسیسم درباره ازدواج و مناسبات زناشویی انجام شده و می شود، همه همه مناسبات ستمگرانه ایست که در جامعه طبقاتی در این زمینه استوار است. به علاوه دشمنان مارکسیسم معمولاً از اینکه مارکسیسم پدیده های اخلاقی، سنن اجتماعی و رفتار اجتماعی انسانها نسبت به یکدیگر در زندگی را بخشی از روبنای اجتماعی جامعه شناخته و تاکید می کنند که آنچه این پدیدهها را تعیین می کند زیر بنای اقتصادی و مرحله تکامل اجتماعی اقتصادی جامعه است اینطور نتیجه می گیرند که مارکسیسم به "معنویت" و "اخلاق" بهائی نمی دهد و بهمین دلیل مروج "فساد و فحشا" است. این

یک نتیجه گیری بیغایت فریبکارانه است و هدف آنست که توجه انسانها را از علل و ریشه های نابسامانیها و دردهائی که در زندگی اجتماعی جامعه طبقاتی و از جمله در زمینه های فوق بروز می کند دور کند و در مبارزه در راه تغییر نظام اجتماعی اختلال ایجاد کند. مارکسیسم برخلاف سایر مکاتب، بنانه معیار ارزش و بنانه عامل

نمی کشید تحت فشار قرار نمی دهند و به محاکمه نمی کشند. کمونیست ها لرفدار آن هستند که روند تشکیل خانواده و بقا رابطه زوجین را عماد اقتصاد و دفاعی آن، که در جامعه طبقاتی حیاتی ترین عملکرد خانواده است، تعیین نکند. کمونیست ها جامعه ای، خواهند ساخت که امر دفاع از اعضای خانواده و امر تامین اقتصادی آنان را جامعه بر عهده

هر ازدواجی که بر بنیاد عشق متقابل و اقتا

آزادانه مرد و زن بنا نشده باشد غیر اخلاقی است

انگلس

مارکسیسم و همسرگزینی

نوشته:

رفیق رفیه دانشگری، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

بایداری و جاودانگی ازدواج و پیوند زناشویی را رابطه عاشقانه عاطفی و معنوی میان زوجین و نیاز و تمایل آتمانه، شخصی، خصوصی، فردی، و داوطلبانه و متقابل زوجین بایکدیگر می شناسد. مارکسیسم رابطه و پیوندی را که بر این اساس پدید می آید رابطه ای عمیقاً اخلاقی، انسانی و رها از همه قیود ضد انسانی و اسارت بار می شناسد. مارکسیسم این گونه ازدواج را می ستاید و تقدیس می کند. اما تشریح می کند در جامعه طبقاتی توده های خلق و نیز حتی طبقات استثمارگر بطور کلی از این سن محرومند که همسرگزینی و زندگی مشترک آنان تحت تاثیر الزامات خارجی و تحمیلی قرار نگیرد. مارکسیستها می گویند چنان جامعه ای بنا کنند که در آن برقراری و یا قطع رابطه زناشویی از هر نوع جبر و الزام خارجی و غیر شخصی اعم از الزامات و اجبارات اقتصادی و غیراقتصادی، مسموم بماند و تنها تمایلی شخصی و خواست آزادانه لرفین ضامن بقا و دوام و جاودانگی پیوند آنها گردد. بهمین دلیل است که کمونیست ها چه زمانی که مسئولیت اداره کشور را بر عهده می گیرند (کشورهای سوسیالیستی) وجه زمانی که در راه معنوی طبقات ارتجاعی مبارزه می کنند هیچگاه (حتی یک نمونه هم وجود ندارد) زن و مرد را بناظر اینکه چرا ازدواج کرده اند و یا چرا طلاق گرفته اند و یا چرا ازدواج

می گیرد.

از ما می پرسند اگر این کارکردها ضرورت تشکیل خانواده را توجیه نکند دوام رابطه میان زوجین ست خواهد شد و پیوند زناشویی گسسته می شود. ما می گوئیم وقتی سایه جبر و زور اقتصادی و غیر اقتصادی از سر پیوند زناشویی برداشته شود این پیوند مضمون عالی انسانی، عاشقانه و خصوصی خود را باز خواهد یافت و به همین دلیل پایدارتر و استوارتر می شود. عشق و نیاز به زندگی مشترک و داشتن و پرورش فرزندان عالیترین انگیزه درونی و پایدار انسانی زن و مرد برای ادامه زندگی مشترک است و درست بر عکس اعمال زور در برقراری این رابطه، آن را ست و از منمو و واقعی و طبیعی فرد تهی می سازد.

بیشرف جامعه بشری و گسترش روند حل تضادهای اجتماعی واقعیت ازدواج را به حقیقت آن (که پیوند عاشقانه و نیاز به مشترک زیستن زوجین است) باز می گرداند. فکر ترقی خواه هم امروز مروج این ایده است که ازدواج باید تا هر حد ممکن به چنین مضمونی نزدیک شود. فکر ترقی خواه امروز نمی تواند برای ازدواج هائی مورا بکشد که نه شوق آزادانه و رهائی یافته برای زیستن و بودن بایکدیگر، بلکه مصالح و منافع و مظاهر سیاسی و اقتصادی محرک اصلی برقراری آن بوده است. در عصر جاهلیت برای برقراری

پیوند و حسن رابطه سیاسی میان قبایل بین آنان " پیوند خونی" برقرار می کردند و زناشی رایج زوجیت افراد و غالباً رئیس قبیله مقابل می فرستادند. این گونه ازدواجها از جوهر متعالی و انسانی خود بی بهره است و به خشن ترین شکل ممکن زندگی و احساس زن و نیز حرمت عشق و عالیترین عواطف و احساسات بشری را لندکوب می کند. داستانها و اساطیر ما محنت کدهها و غم خاندهائی را که در طول تاریخ این گونه ازدواجها آفریده است به تصویر کشیده و محکوم کرده است.

بشریت مرقی هم چنین نمی تواند و نباید پای قبایله ازدواج هائی مهر تایید بگذارد که محرک آن کسب سود و منافع اقتصادی است. در جامعه طبقاتی البته انگیزه اقتصادی در ازدواج بشکلی عمیقاً غم انگیز یک انگیزه واقعی، عادی و تقریباً همگانی است. بورژواها و فتودالها نمی توانند به ازدواج به مثابه وسیله ای برای انباشت ثروت بیشتر ننگرند. وسعت شیوع فحشا و خودفروشی در جامعه سرمایه داری قبل از همه بیانگر آنست که چگونه عشق و علائق دو جانبه و خصوصی توسط فشار اقتصادی به بیرحمانه ترین شکل ممکن لندکوب و از درگاه زندگی رانده میشود.

در جامعه طبقاتی زن آزاد نیست و نمی تواند در امر همسرگزینی احساسات و علائق و انگیزه های شخصی، خصوصی و درونی خود را مبنای انتخاب قرار دهد. زن زحمتکشی که از شرکت برابر حقوق با مرد در پرورش تولید و از داشتن منبج درآمد مستقل که حاصل کار خود اوست محروم است و بهمین دلیل حق زیستن او به اراده شخص دیگری بستگی یافته است نمی تواند و آزاد نیست که عامل اقتصادی را در امر ازدواج نادیده بگیرد. در مبین ما همسرگزینی مرد عرفاً متضمن پرداخت مهریه و شیر بهاست که امری حقارت بار، اهانت آمیز و غیر اخلاقی است. زن در جامعه طبقاتی محکوم است از خود بیگانه شود، احساس و علائق درونی و طبیعی خود را فدا کند تا حق زیستن بدست آورد. بیپوده نیست که از یک سو فکر انسانی در جامعه طبقاتی تصویرگر خلاق این رنج از خود بیگانگی و آثار تلخ آنست، باز هم بیپوده نیست که فکر ارتجاعی فریبکار در همین جامعه می گویند این رنج زن زحمتکش را نشانه "وفاداری" و "فداکاری" او معرفی کند.

اینها همه واقعیت های تلخ

زندگی در جامعه طبقاتی است، واقعیت هائی که عنصر رزمنده انقلابی نه تنها مبر تأیید بر آن نمی‌گوید، بلکه شجاعانه با آن می‌شیرد و رهائی زن و بازگردانیدن حقیقت عالی و انسانی هسگرزینی به واقعیت آن را حاصل بیکار و رسالت متعالی خود در راه محور جامعه طبقاتی می‌شمارد.

از سوی دیگر مارکسیست‌ها و همه بشریت پیشرو با دیدگاهی که مضمون رابطه زن و مرد، مراده زن و مردنگاه زن و مرد به یکدیگر را در آن مضمون، هدف و محرک صرفاً حیوانی و از آن هم فحش‌تر "حیوانی" می‌شناسد می‌ستیزد و جوهر بدوی و ارتجاعی آن را افشای می‌کند. آن زندگی که به بوئی از تمدن آمیخته باشد نمی‌تواند بپذیرد که ارتباط فعال زنان و مردان در تولید و فعالیت اجتماعی، همکار بودن و فعالیت تنگاتنگ آنان دو شادوش یکدیگر و از جمله در جریان بیکار انقلابی لزوماً به رشد عناصر ضد اخلاقی، به برقراری روابط جنسی و احساسات تجاوزگرانه در روابط میان آنان منجر می‌شود. دیدگاهی که برای فعالیت مشترک (تولیدی، اجتماعی و سیاسی...) زن با مرد در زیر یک سقف، پشت یک میز و در یک سنگر شرط معریمت و زوجیت را ضروری می‌داند فکری است بدوی و ارتجاعی که به شخصیت زن و نیز مرد توهین می‌کند و محتوای حقیقی هسگرزینی یعنی نیاز به "دوست داشتن" و "عشق" را لگدمال و بی‌بها می‌کند و مقام انسان را تا حد پستانداری که به برقراری رابطه با جنس مخالف وادار شده است تنزل می‌دهد. تئوری آخوندهای مرتجع که گویا اگر زن و مرد زیر یک سقف، در یک محیط، دو شادوش هم کار کنند، مبارزه کنند، زندگی کنند لزوماً هم بایکدیگر روابط جنسی برقرار خواهند کرد و کار به تجاوز به حریم اخلاق می‌کشد یک تئوری ارتجاعی محض و متعلق به اعصار است که زن برده کامل بوده، که مرد برای "استفاده" از او، و ربه ملک مطای خود مبدل می‌ساخت.

انتیژه کاربرد این تابو در جامعه فئودالی و سرمایه‌داری قبل از آنکه جلوگیری از "تجاوز به حریم اخلاق" باشد جلوگیری از تجاوز به حریم "مالکیت" است. جامعه فئودالی زن را رسماً، شرعاً و عرفاً "متعلقه" مرد می‌شناسد. احساس مالکیت و "حق تمییم" مرد نسبت به زن مورد حمایت ایدئولوژی حاکم است. کاربست و رعایت دقیق اصل "محریمیت"، که با انبوهی از قیود و

ضوابط شرعی و عرفی مشخص می‌شود، هیچ هدفی جز کاربست و رعایت دقیق حریم مالکیت مرد نسبت به زن و جلوگیری از هرگونه تجاوزی به آن، نداشته است. محدودیت فوق‌العاده مرک باری که برای زن در خارج از حریم مالکیت مرد برای برقراری رابطه با جامعه برقرار می‌شود و حقوق نامحدودی که در حریم مالکیت مرد برای وی، در رابطه با زن در نظر گرفته می‌شود همه و همه گویای آنست که تعیین دقیق ضوابط شرعی و عرفی "محریمیت" هیچ هدفی را جز تعیین دقیق حریم مالکیت مرد بر زن و جلوگیری از وارد آمدن هرگونه خدشه‌ای به این حریم (از طریق تحصیل امارت مطلق زن در خانه و در جادر و چاقچور و منزوی و محروم کردن او از حق حیات اجتماعی) نداشته است. منافع بورژوازی البته بسیاری از این قید و بندها و غل و زنجیرها را بسود خود نمی‌بیند. روند اجتماعی شدن تولید بسیاری از این قیود مسخره را به زیاله‌دانی می‌فرستد. با این حال جامعه سرمایه‌داری رابطه برابر حقوقی زن و مرد را نقض می‌کند و می‌کوشد جوانی از سبیره مالکانه مرد بر زن را همچنان زنده نگاهدارد.

مفهوم "دوست داشتن" و "رابطه عاشقانه" میان زوجین برخلاف آنچه که از سوی ارتجاع طبقاتی اشاعه داده می‌شود رابطه‌ای عاری از محتوای غنی معنوی و یک پیوند توخالی نیست. بدون همسازي ایدئولوژیک، بدون همگونی فرهنگی و ملی، بویژه با خصوصیات رفتاری نامساز البته یک زندگی مشترک استوار و سرشار از عافیه و علاقه مشترک شکل نمی‌گیرد. در میان کسانی که از فرهنگ غنا بیانه‌تر و متعالی‌تری بهره‌مندند،

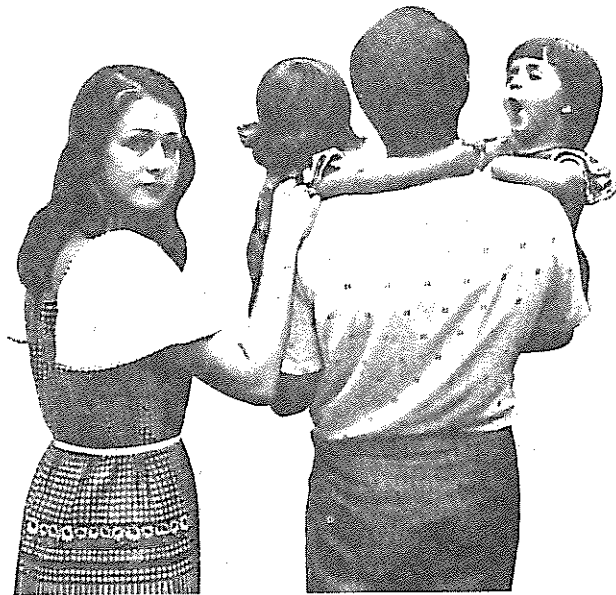
در میان عناصر وابسته به سازمانهای سیاسی رزمنده در راه آزمانهای باینده که عنصر ایدئولوژیک، عنصر بسیار مهم و نقش آفرین زندگی است، این بسیار طبیعی است که هسگرزینی بیشتر از فکری صورت بپذیرد که یگانگی فکری بیشتری را در زندگی مشترک تأمین می‌کند.

اکثریت نیرومندی از فدائیان ترجیح داده‌اند که هسگر خود را از میان هواداران سوسیالیسم بر کزینند. این یگانگی زندگی زناشویی را باید اترتر می‌سازد. در شرایط کنونی پیوند ازدواج میان عناصر انقلابی با کسانی که آگاهانه یا آرمان طبقه کارگر خصومت می‌ورزند و یا در دستجات ضد انقلابی فعال هستند کار ادامه مبارزه آن عنصر انقلابی را غیر ممکن و یا بسیار دشوار می‌سازد و از جوانب مختلف سازمان را نیز دچار مخاطره می‌نماید. در این رابطه رفقای که قصد ازدواج دارند و تلیفه خود می‌دانند که مورد انتخاب خود را به مسئولین سازمانی معرفی کنند و در این زمینه نظر سازمان را مورد توجه قرار دهند. برای یک سازمان انقلابی جدی و مسئول، برای سازمانی که در شرایط سربکوب و خفقان فعالیت انقلابی وسیعی را در میان توده‌ها سازمان میدهد این توجه یک ضرورت حتمی است. اما در سازمان ما حتی یک مورد هم وجود نداشته است که به دلایل سیاسی، یا تشکیلاتی، به عنوان انجام یک ماموریت سازمانی و یا برای ارتقا، رتبه سازمانی و یا تنزل آن و یا بهر دلیل دیگری از سوی ارتكاشای رهبری و مسئولین سازمان برای این یا آن رفیق فرمان ازدواج با شخص معینی صادر شده باشد. انسان

تمدن و با فرهنگ این ازدواج‌ها ربه عنوان نمونه‌ها، "ایثار و فداکاری" و "تعهد انقلابی" تقدیس نمی‌کند. اثر بیوند ازدواج سرشار از عاطفه و احساس عاشقانه و انتخاب شخصی و درونی طرفین است، پس نمی‌توان و نباید آن را به عنوان فداکاری و ایثار عشاق در راه خلق و انقلاب جلوه‌گر ساخت یا آن را به عنوان "انجام و تکلیف سازمانی" قلمداد کرد و اگر پیوند ازدواج عاری از هرگونه احساس و علاقه و علاقی متقابل است، تقدیس تن دادن به آن تحت پوشش "ایثار" و "فدا" و وسوسه قرار دادن آن برای رسیدن به یک رشته اهداف سیاسی و تشکیلاتی (اهدافی که ضرورتاً و در هیچ مورد نمی‌توانند مردمی و مترقی باشند) هیچ معنایی جز لندکوب و حشیمان شخصیت انسانی و عواطف بشری و پیش از همه سربکوب شخصیت و عواطف زن ندارد. هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و اهداف شریف نیز بهیچوجه محتاج توسل به سایل غیر شرافتمندانه نیست.

انتلس در این باره می‌گوید ازدواج مصلحتی غالباً به ناهنجارترین نوع فحشا (کاهی از طرف زوجین و معمولاً از جانب زن) تبدیل می‌شود که تنها تفاوتش با نوع معمول آن در اینست که آندو تن خود را نه مانند یک مزدور مقلطمه‌کار، بلکه خود را یک بار برای همیشه به بردگی می‌فروشند، او در این زمینه از فوریه نقل می‌کند که می‌گوید "درست مثل دستور زبان که در آن دو معنی یک مثبت را می‌سازند در اخلاقیات ازدواج هم دو فحشا یک عفت را می‌سازند"

مارکسیسم دیدگاههای ازدواج مصلحتی را تقدیس نمی‌کند و آن را وسیله تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی و تشکیلاتی و از این قبیل قرار نمی‌دهد. دیدگاههایی که ازدواج را از جوهر و مضمون عالی انسانی خاص خود تهی می‌سازد، دیدگاههایی است که شان و مقام والای انسانی و بویژه زن را مورد تحقیر و توهین قرار میدهد و آنرا از خود انسان بیگانه می‌سازد. کمونیست‌ها جهانی را می‌سازند که در آن آزادی، اراده زوجین را در انتخاب یکدیگر برای زندگی مشترک، جز علاقی و عاطفه و احساس مشترک و درک نیاز متقابل آنان به یکدیگر، جز تفاهم معنوی، جز عواملی که به خود آنان و به اراده آزاد و مستقلشان مربوط می‌شود هیچ عامل بیرونی، تحمیلی و اجباری، چه آشکار و چه پنهان، زندگی مشترک آنان را تحت تأثیر و تحت سلطه خود نگیرد.



بقیه از صفحه اول

دیکتاتوری فاشیستی نظیر رژیم بینوشه با تمام توان خود آن را تحت بیژر قرار می‌دهد، نه تنها موفق شده است که زنده بماند، بلکه توانسته است حتی وزن خود را در جامعه شیئی افزایش دهد.

ارلاندومیناس می‌گوید: "حزب ما ضربات هولناکی متحمل شده است. شیدا، زیاد، از صفوف ما بودند. اما در حال حاضر تشکیلاتی داریم که حتی از پیش از کودتای مستحکم‌تر است. نفوذ ما بر حیات کشور افزایش یافته، و من صادقانه معتقدم که پیوند میان حزب ما و سایر نیروها، سیاسی هیچگاه بدین گسترده‌گی نبوده است. این پیوند، بسیار عمیق‌تر و فراتر از پیوندهایی است که در تاریخ کشور ما سابقه داشته است."

این حکم تنها ادعای یک کادر رهبر، حزب نظیر میلای نیست، بلکه محبوبات رسمی شیئی نیز آن را تایید کرده و بارها نوشته‌اند: "کمونیسم در شیئی آذوقه بینوشه قول داده

بود ویشه کن نشد، بلکه بر عکس، قوی‌تر از هر زمان شده است."

اما در هر حال، عذب کمونیست معتقد است، بر اثر تغییر اوضاع کشور انقلابی لازم است که در آن، نیروهای خونگونی که کلیت اپوزیسیون شیئی را تشکیل می‌دهند، گرد هم آیند. این، یک وظیفه بسیار دشوار است. اتحاد چپ‌مانیز به سادگی تحقق نمی‌پذیرد. اما با این همه، توافق‌هایی حاصل شده که زمینه‌ای برای انعقاد قرار داد یا بخشهایی از بورژوازی، از جمله برخی نیروها که در گذشته از رژیم بینوشه حمایت می‌کردند، به شمار می‌رود. این نیروها در آغاز کنار گذاشتن حزب کمونیست از هر گونه اتحادی را ملایب می‌کردند، اما اخیراً آنها نیز نشانه‌هایی دال بر مراقت با چنین قراردادهایی بروز داده‌اند، قراردادهایی که امید تعیین یک اتحاد گسترده را که بتواند به -انگیزد.

دیکتاتور، پایان دهد، بر می‌انگیزد.

در زیر بخشی از مصاحبه رفیق میلای رامی خوانید.

دیور کمیته مرکزی حزب کمونیست شیئی:

اقتلاف نیروهای ضد دیکتاتوری فراگیر می‌شود

س: چه چیز این نیروهای راست را برانگیخته است که موضع خود را تغییر دهند، و چرا به عقیده شما می‌توان به ائتلاف وسیع برای پایان دادن به دیکتاتوری اندیشید؟

ج: در کشور همه می‌دانند که اتحاد راست با میانه علیه چپ در تاریخ هرگز به نتیجه خوبی منجر نشده است. این تجربه، امروز بر دوش آن نیروهایی از میانه و راست ستنی می‌کند که سرنوشته تاریخی‌ای که این اتحاد برایشان ببار آورد، به تنخ کامی‌شان انجامید. گمان می‌کنم امروز افرادی در احزاب گوناگون هستند که درک کرده‌اند تکرار این قضیه بیهوده است. اندیشه یک ائتلاف وسیع علیه دیکتاتوری و برمیانه، هدف مشترک نیل به دکتراسی و آزادی، هر روز بیشتر طرفدار پیدا می‌کند و فراگیر می‌شود. ما اطلاع داریم که این موضع، بسیار قوی و دارای ریشه‌های عمیق در نیروهای سیاسی کشور است و پایه‌توده‌ای وسیع شده، آن را تقویت می‌کند. این امر، امکانات وسیعی می‌تواند ببار آورد.

س: برخی نیروهایی که وجود آنها برای یک اتحاد وسیع بسیار مهم است، گفتگو با رژیم را به عنوان یک راه حل ممکن برای خروج از موقعیت کنونی پذیرفته‌اند. شما با آن مخالفید چرا؟

ج: آنچه ما مخالفتمان را با آن اعلام کرده‌ایم این است که برمیانه، حفا وضع کنونی وارد مذاکره بشویم،

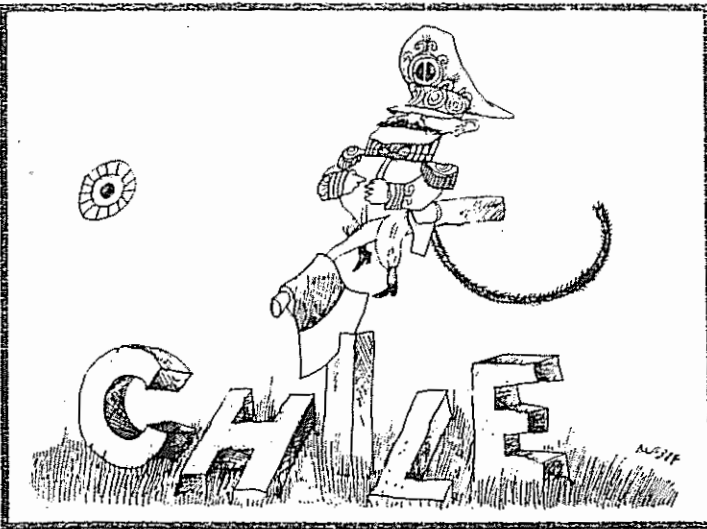
زیرا ما فکر می‌کنیم که هیچ مذاکره نمی‌تواند وجود داشته باشد که بر اساس آن رژیم بینوشه همچنان سرکاریمانند. ما تا آنجا با مذاکره موافقیم که در آن شرایط تحویل قدرت به مردم تعیین کرده، زیرا مردم تنها صاحب مشروع قدرتند.

س: اتحادی که شما پیشنهاد می‌کنید، تا کجا باید پیش رود؟

ج: ما طرفدار آن چیزی هستیم که لوئیس کوروالان اتحاد اپوزیسیون چپ، میانه و راست نامیده است. سخن بر سر توافق همه نیروهای دمکراتیک است، نه یک توافق مصنوعی و یا یک امر کاملاً ذهنی. ما خواستار توافقی هستیم که هدف احیای حکومت مردم در شیئی و ایجاد یک نظام دمکراتیک را فرا روی خود قرار دهد.

س: تصور شما درباره دکتراسی آینده در شیئی چیست؟

ج: ما خواهان یک دکتراسی هستیم که همه در آن سیم باشند، یعنی همان چیزی که دمکراتهای مسیحی از آن زیاد سخن گفته‌اند... ما خواهان یک دکتراسی مترقی هستیم که مسائل اقتصادی را حل کند و در عین حال، یک دکتراسی اقتصادی و اجتماعی نیز باشد. اما اگر در لحظه مشخصی، دکتراسی‌ای روی کار آید که تا این حد مترقی نباشد، تا این حد دمکراتیک نباشد و حتی فقط یک دکتراسی صوری باشد، ما بازم از آن حمایت خواهیم کرد تا موفق شود به سود مردم ما تحول یابد. زیرا برای ما تفاوت میان یک رژیم دمکراتیک و یک رژیم غیر دمکراتیک، به عق یک دره و از همه چیز مهمتر است.



س: به نظر شما مشخصات دمکراسی نوینی را که پس از سرنگونی دیکتاتوری در شیئی ایجاد خواهد شد، چه چیز تعیین می‌کند؟

ج: میزان شرکت مستقیم توده‌ها، مردم در ساختمان رژیم نوین در هر حال ما کمونیستها طرفدار "همه چیز یا هیچ چیز" نیستیم. ما اعتقاد نداریم که تنها ما و صرفاً ما حق داریم. از این رو متأسفیم که برخی دیگر این موضوع را می‌گیرند. ما برآنیم که هر میزان از دکتراسی که بتواند به آن دست یافت، پیروزی بزرگی برای خلق خواهد بود. پیروزی‌ای که برای تضمین تکامل موفقیت آمیز آن، همه ما باید از آن دفاع و حمایت کنیم.

س: وضعیت فاجعه آمیز اقتصاد کشور تا چه حد دکتراسی آینده شیئی را تحت تاثیر خواهد گرفت؟

ج: درست به همین دلیل نظر ما این است که محقول‌ترین و ضروری‌ترین امر برای شیئی دکتراسی‌ای است که قادر باشد مسائل اساسی را حل کند، دکتراسی‌ای با شرکت وسیع زحمتکشان، دهقانان، دانش‌آموزان و فرهنگیان، زنان، زافه نشینان، زیرا تنها از این طریق می‌توان بر مشکلات اقتصادی فائق آمد. آنچه این مسائل را تشدید می‌کند، موازنه منفی تجاری است که بر اثر سیاست "مکتب شیکاگو" (مکتب اقتصادی‌ای که رژیم بینوشه طی سالها در شیئی از آن پیروی می‌کرده، شامل سیاست درهای باز و بیاز گذاشتن کامل دست انحصارات، م. م. بوجود آمده و به کشور لطمه‌ای معادل ۴۰ میلیارد دلار زده است. عامل دیگر، قروض خارجی است که از ۲۲ میلیارد دلار تجاوز می‌کند. ۲۲ میلیارد دلاری که شیئی هرگز به خود ندیده است، زیرا این پول مستقیماً به جیب الیتارشی مالی رفته است. اما با همه لطعاتی که کشور دیده است، شیئی هنوز از ثروتهای طبیعی خود بهره‌مند است. آنها موفق نشده‌اند کل پتانسیل تولید کشور را از بین ببرند. از این گذشته، کشور ما از لحظه کارگری برخوردار است که آموزش دیده و در سطح بالایی قرار دارد. ما نیروی متخصص در اختیار داریم و شرایط پیشرفت را دارا هستیم. ما اطمینان داریم که توافق همه نیروهای دمکراتیک و یک دکتراسی واقعی با شرکت همه نیروهای کشور، باعث خواهد شد که بتوانیم به آینده باخوش بینی بنگریم.

ویکتور خارا:

استاد یوم شیلی

ج: فکر نمی‌کنم هیچ کس طرفدار آشتی با کسانی باشد که آن جنایات را در حق مردم انجام داده‌اند. اما آشتی ملی می‌تواند و باید بر اساس عدالت پدید آید، به شرطی که مسئولین واقعی جنایات مجازات شوند. این، آرزوی عمیق طبقه کارگر است که به هیچ وجه احساسات انتقام جویانه ندارد. بزرگترین انتقام طبقه کارگر شیلی این خواهد بود که یک شیلی سرفراز، مرفه، آزاد و دمکراتیک بسازد. شیلی ای که در آن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی - حق خوردن - حق همه شهروندان به زندگی کردن - رعایت شود.

س: برای نیروهای مسلح در دمکراسی نوین چه نقشی قائلید؟

ج: آنچه مهم است این است که شیلی نمی‌تواند نیروهای مسلحی داشته باشد که علیه مردم خود بجنگند. نباید نیروهای مسلحی وجود داشته باشد که از دکتربین دیکته شده توسط آمریکا بنام دکتربین 'امنیت ملی' پیروی کنند، دکتربینی که بر اصول بیتری استوار است. مانی توانیم نیروهای مسلحی داشته باشیم که با دمکراسی مخالفت ورزند. شیلی نتایجی احتیاج دارد که با مردم احساس یگانگی بکنند، که از عتق و احترام مردم برخوردار باشند، نه به ولایت خود در زمینه دفاع و پیشرفت پردازند. ما اطمینان داریم که در همین نیروهای مسلح فعلی هم نیروهای بسیار ارزشمندی وجود دارند که نقش تعیین کننده‌ای در نیروهای مسلح آتی، در نیروهای مسلح دمکراتیک کشور، ایفا خواهند کرد.

س: اما این موضوع از آنجا که به اعمال قهر در کشور مربوط می‌شود، بسیار حساس است. این امر به سبب آور هم نیست، زیرا اکثر کار به اعمال قهر نشد، آنجا (نیروهای مسلح) محور تحولات خواهند بود. در رابطه با این موضوع، نیروهای راست دست به کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای زده و مدعی هستند تریب کمونیست از اعمال قهر طرفدار نبوده و از جنبش شورشی "جبهه میپنی مانوئل رودریگز" حمایت می‌کند. نظر شما در این باره چیست؟

ج: به نظر من، آنهایی که به صراحت علیه قهر فراموشی‌ای که در شیلی وجود داشته و امروز توسط ژیمی که قدرت را با یک کودتای خونین به دست گرفته، نمایندگی می‌شود، موضع نگرفته‌اند، باید نمی در کناربرد و از قهر محتاط باشند. البته حزب کمونیست معتقد است مردم حق دارند از خود در برابر مصلحت ددمنشانه دفاع کنند. قهر تروریستی که در یابی اعمال می‌شود، علیه مردم است، و مردم باید از مه وسایل برای مقابله با آن بهره بگیرند. این، یک یاست روشن و معقول است که همه مردم شیلی آن را رگ می‌کنند. نا آنجا که به "جبهه میپنی مانوئل رودریگز" مربوط می‌شود، حزب کمونیست اعلام کرده ست که ما همه آنهایی را که به این یا آن شیوه علیه یکنشاورتی مبارزه می‌کنند، به ویژه آنهایی را که به جن امر با شجاعت، از خودگذشتگی و ایثار پردازند، تحسین می‌کنیم. این امر بدان معنی بست که ما با آنها بی‌شمیم، اما وظیفه میپنی خود را داریم که از آنها استقبال کنیم.

ما پنج هزار تنیم.
در این تکه کوچک شهر و اماچندتن خواهیم شد اکثر
بر شمارم شهرها در سراسر میپن
مادر این جاده هزار دستیم،
دستهایی که دشت هارامی کارند
و کارخانه هارامی چرخانند.
چه بر شمارند مردمانی که بکام گرسنگی و سرما
بکام اندوه و کترانی افکنده شده‌اند.
وزیر بیوع بردگی و در چنگال شکنجه روانی.
شش تن از ما به فضای پاک ستارگان عروج کردند
یکی را کشتند، دیگری راه کردند،
آن گونه که هیچگاه نمی‌توان بنداشت
که می‌شود موجودی انسانی راه کرد.
چهارتن خواستند خود را برهانند
از همه راه‌ها و دیرها
برخی جهیدند در خلا
و دیگران سرهای خویش را، به دیوارها کوفتند،
اما همگی بانگهای خیره شده در سیاه مرغ.
چه دهشتناک است چهره فاشیست.
وقت آنان در تپه‌کاری، مرزنی شناسد
و بر لجام گسیختگی شان مهار نیست.
خون برایشان نشان لیاقت
و کبودن زدن قهرمانی است.
خدا ایما، همین است آن جهان انسانی که آفریده‌ای!
و برای همین بود آن مفت روزی که خلق کردی
و بس آسود،!
در میان این چهار دیوار تنهاتران آسم
که مرگ برای آدمیان بیشتری، کام گشوده باشد.

و اینک
باتک ز نهار و جدان
همراه صدای دوردست چرخ کامیون‌ها
خبر می‌دهد از جزرمدی بی انتها.
ننگامیان چهره خود را می‌آرایند.
گویی که می‌خواهند،
به سیاه، مادری مهربان در آیند.
اما کمزیک و کوبان و دنیا فریاد می‌کنند؛
ننگ بر این ننگ سیاه.
مادر این جاده هزار دستیم
دستان رنج
در سراسر میپن پیراکنده ایم.
خونی که نثار کرد دیر زیدنت
رفیق ما
نیرومندتر است از
خمیازه آن‌ها و رگبار مسلسل‌هایشان.
ای ترانه، آوای که چه سخت است سرودنت
چرا که می‌خواهم ترس را براریم،
ترسی که زندگی را می‌کشد،
ترسی که مرگم را می‌زاید.
لحظه‌های بیرون از شماری است
که به چهار میخ کشیده‌اند،
در این جاکه خاموشی و ناله
آماج ترانه‌ها می‌نند.
در این لحظه‌ها، ایدی،
چشمان من می‌بینند
آنچه را که پیش تر هرگز ندیده‌اند
هر گوی را که در این لحظه از مرکز رانده‌ام
و باز بر من خواهد گذشت
شاید دست در همین لحظه روی دهد.

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

سیر صعودی خروج از کشور

کاهش میزان ارز مسافرتی از ۵۰ دلار به ۳۰ دلار و افزایش عوارض خروج بر روی تعداد مسافرتی که کشور را ترک می‌نند، تأثیری به جا نداشته است. جابو، سفارتخانه‌ها در تهران همچنان صفات طویل تشکیل می‌شود و برای خرید بلیت هواپیما همچنان باید ماهها در انتظار ماند. هواپیماها معمولاً مملو از مسافر ایرانی را ترک می‌کنند و خالی بازمی‌گردند. تعداد مسافرتی که از کشور خارج می‌شوند به مراتب بیش از کسانی است که به کشور بازمی‌گردند. به عنوان نمونه طبق آمار دولتی در سال (۱۳۶۱)، ۱۰۵۰۰ نفر و در سال (۱۳۶۲)، ۱۲۶۰۰ نفر به فرودگاه مهرآباد وارد شده و در عوض به ترتیب ۱۲۷۰۰ و ۱۸۲۰۰ نفر از این فرودگاه خارج شده‌اند. به عبارت دیگر در سال (۱۳۶۱) تعداد کسانی که فقط از مهرآباد خارج شده‌اند ۲۲۰۰۰ نفر بیش از کسانی است که به این فرودگاه وارد شده‌اند. این

تفاوت در سال بعد به رقم ۵۶۰۰۰ نفر می‌رسد، در ده ماهه اول سال (۱۳۶۲)، ۲۲۲۶۲۱ مسافر ایرانی به مهرآباد وارد شده و ۲۸۰۸۲۶ نفر این فرودگاه را ترک گفته‌اند. تفاوت این دو رقم برابر است با ۵۸۲۰۵ نفر. در سال جاری این رقم همچنان افزایش داشته است.

خشکسالی در سیستان و بلوچستان

خشکسالی در بسیاری از مناطق کشور پدیده‌ای چشمگیر است. از این پدیده بیش از هر جا استان داتا مصیبت زده سیستان و بلوچستان که دچار خشکسالی مزمن است، رنج می‌کشد. بادهای ۱۲۰ روزه این استان که هم اکنون در حال وزیدن است بر ابعاد خشکسالی افزوده است. دریاچه هامون خشک شده و هزاران دام تلف گردیده است. روستاهای بسیاری در زیر خروارها شن و خاک دفن می‌شوند و مردم گرسنه و محروم آنهم در صورت داشتن اندکی امکانات به مهاجرت رومی‌آوردند.
رژیم هیچ چاره‌ای برای کمک به اهالی این منطقه نیندیشیده است. ماجرعات دولتی نیز اساساً در این مورد سکوت کرده و به ندرت پیش می‌آید که در این مورد چند سطر مطالب بنویسند.

مسائل ایران در مطبوعات پیشرو جهان

بقیه از صفحه ۱

یابد جعل و تحریف در مرکز سازمان "سیا"، یکشد. دروغ دیگری را هم به بخورد خوانندگان میدهند و می نویسند: "آمریکاییها و روسها تماسهای نزدیکی در رابطه با تحول کثونی و آتی در همه جای جهان اسلام دارند."

هفته نامه "عصر جدید" سپس به یاد آوری سیاست اصولی اتحاد شوروی، در سیر رویدادهای ایران می بردارد و می نویسد: "همه می دانند که این دولت شوروی بود که بیانیته غیر مجاز بودن دخالت در امور داخلی ایران را منتشر ساخت و از این طریق عملاً از انقلاب ایران در زمانی که واکنش در سال ۱۹۷۸ نقشه مداخله مسلحانه در ایران را می کشید، در برابر هر گونه تجاوز خارجی محافظت کرد. این اتحاد شوروی بود که به ایران با در اختیار قرار دادن مسیر زمینی و آبی ترانزیت به منظور حمل کالاکمک کرد و از این طریق خسارتی را که اقتصاد ایران می توانست از تحریم ایران و محاصره دریایی آن توسط دولت آمریکا متحمل شود، محدود ساخت. این اتحاد شوروی بود که به ایران کمکهای اقتصادی، مهمی نمود و سهم خود را در ایجاد ۱۶۰ واحد صنعتی و اقتصادی در ایران، از جمله ساختمان ذوب آهن اصفهان، ایفا کرد. در واحدهایی که با شرکت اتحاد شوروی،

ساخته و تجهیز شده اند، در حال حاضر نزدیک به ۸۰ هزار ایرانی کار میکنند."

کارزار ضد کمونیستی در ایران

نشریه مسائل صلح و سوسیالیسم، نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری، در آخرین شماره، خود مقاله ای با عنوان کارزار ضد کمونیستی در ایران درج نموده است. این مقاله توسط رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نوشته شده است. در این مقاله رفیق خاوری به تشریح نتایج حزب توده ایران در مورد سیر رویدادهای پس از انقلاب ایران و سیاستهای خائنانه رژیم جمهوری اسلامی پرداخته و اهداف رژیم خمینی از کمونیسم ستیزی، و توده ای ستیزی را مورد بررسی قرار داده است.

نظام حاکم بر ایران، منبع نارضایتی

و تنفر در توده های مردم

ارگان حزب کمونیست یونان، در مقاله ای، مشروحاً به تشریح اوضاع سیاسی ایران پرداخته است. حینای این مقاله را بیانیته مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران تشکیل می دهد. ریز و سیاستی می نویسد:

"وضعیت اقتصادی ایران شدیداً خراب است. چه بخش صنعتی و چه بخش کشاورزی در معرض نابودی است. فقدان مواد اولیه شکل دائمی بنهاده گرفته است. تولید کشاورزی هر ساله کمتر می شود. این کمبود از سیر معهودی میزان واردات که در سال ۸۲ به ۲۲ میلیارد دلار رسید هویداست. رژیم با کمبود شدید ارز مواجه است. بانی این وضعیت سیاست اقتصادی رژیم است سیاستی که آشکارا در خدمت کلان سرمایه داران و بخش خصوصی است، خصوصی کردن به یک پدیده عمومی تبدیل شده است. سرمایه داران بزرگ که هنگام انقلاب گریخته بودند هم اینک باز می گردند. قانون اصلاحات ارضی اجرا نشد و با دخالت شخص خمینی لغو شد. نفوذ مونیولها دوباره شروع شده و همچنان ادامه دارد."

ارگان حزب کمونیست یونان در زمینه سیاست خارجی رژیم خمینی می نویسد:

"سیاست خارجی رژیم ارتجاعی و ضد مردمی است. سیاست جمهوری اسلامی ایران از مرحله نفی اصل مریستی مسالمت آمیز به مرحله عشق ورزیدن به جنگ رسیده است... رژیم ایران بطور فعالانه در جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان شرکت می کند و بطور سیستماتیک علیه سازمان آزادیبخش فلسطین عمل می نماید. خرید اسلحه از ایالات متحده و اسرائیل ادامه و گسترش می یابد و کوششهایی در راه تجدید پیمان ستون بصل می آید رژیم

مورگ بر جنگ...

بقیه از صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی تلاش ورزید تا خود مستقیماً این جنگ افزاران را از دول امپریالیستی خریداری کند. بنا به نوشته روزنامه لوس آنجلس تایمز، در ۵ سال که از جنگ می گذرد، صدها معامله سلاح از آمریکا به ایران ارسال شده است. به گفته یک مقام کمرک آمریکا، جمهوری اسلامی ۱۰۱ در صد نیازهای تسلیحاتی خود را مستقیماً از آمریکا تأمین می کند.

هم اینک دول غربی، در راستای تأمین نیازمندیهای جنگی هر دو کشور ایران و عراق، حرکت می کنند. آنها می کوشند تا آتش جنگ را همچنان بر افروخته نگاه دارند، و حکومت اسلامی نیز در این راه، هم صدا، همگام و هم نیست با آنان است. دیری نخواهد پایید که جنبش اعتراضی مردم، نعره جنگ، جنگ را در کثونی، حکام مرتجع خفه سازند.

درگیریهای شدید درون باندهای سلطنت طلب برای بالا کشیدن جیره نوکری امپریالیسم

خرداد خود با لحن "بی ادبانه" ای می نویسد: این سان دیدن منجر به "بریدن گوش و الاحضرت اشرف پهلوی" شده است. حال سلطنت طلبها و "ملی" تراها از اشرف پهلوی و سید احمد مدنی افسوس می خورند که چرا بخشی از جیره مقرر را به افرادی داده اند که به جای سرمایه گذاری بیشتر برای آنها، برای خودشان در پاکستان زمین و سبب بنزین خریدارند و خانواده هایشان را در انگلستان غرق در رفاه ساخته اند. نشریه "اعدام" می نویسد بعد از باصلح اخراج این دو نفر، گزارش مسائل داخلی سازمان وحدت بلوچ به سفارت خانه های ذیربط خارجی داده شد. بی آبرویی تا حد رسیده است که این نشریه سلطنت طلب ابایی ندارد از این که بگوید عمه تقلا، تیسارها و الاحضرتها، فقط با اذن "سفارتخانه های ذیربط خارجی" میسر می گردد.

بنوی و آزاده شفیق است. اخیراً در این سازمان درگیری بالا گرفته و دو نفر از روسا، آن به نامی مولاداد سردار زمی و امان الله بارتک زمی یونهای اعنایی از درباریان فرار، را بالا کشیده و به همین جرم اخراج شده اند و در واقع فتنه رابسته و سبب بنزین را بی کلاه گذاشته اند. از "زرنکی" این دو نفر زمین بس که به نوشته نشریه "اعدام" که نشریه معنقی به تیارچی های انگلستان است، با مدنی نیز در رابطه بوده و از او ۲۸۰۰۰ دلار بیول گرفته اند. آنباه ع او نیز رفت و آمد داشته و ۵۰ قبضه اسلحه و مایه پنجهزار و پانصد دلار، نیز از رژیم عراق دستمزد گرفته اند. از جمله دیگر "زرنکی" های اینادعوت آزاده شفیق، رئیس "شاه الهی" ما به پاکستان در فروردین ماه امسال و نشان دادن ۲۰ نفر مسلح نمایی به اوست. نشریه مذکور در شماره ۲۱

خواندن نشریات سلطنت طلبها خالی از تفریح نیست. آنها یکدیگر را افشامی کنند، به روی هم پنجه می کشند و فاشهای چارواداری نثار یکدیگر می کنند. خالی از تفریح نیست وقتی آدم ببیند وزیر، وکیل، تیسار و شاهزاده دیروز وقتی پای تقسیم جیره نوکری امپریالیسم به میان می آید، تشخص و "ادب" بورژوازی خود را به کنار نهاده، کف بر لب بر می آورد و به همپالکی های خود ناسزاهای آنچنانی می دهد.

به نمونه ای از دستجات ضد انقلابی که تا حدی، مثلاً از شورای مشروطیت، فلان شهر انگلستان یا آلمان جدی تر است توجه می کنیم: سازمان وحدت بلوچ! این سازمان مقر فرماندهایش در پاکستان است. عده ای از فئودالیهای ساواکی و گردنه گیرهای سابق بلوچستان از قبیل آن نان می خورند و رابطه اصلی شان با اشرف

گامی در جهت کاهش تشنجات در ایالت آسام هند

اخیرا میان دولت مرکزی هند، دولت ایالتی آسام و سازمانهای سراسری دانشجویان آسام قراردادی به امضا رسید که بر مبنای آن، دولت ایالتی آسام استعفا داده و مجلس قانونگذاری این ایالت منحل شد. قرارداد مزبور، همچنین حاوی توافقهایی درباره مسئله بسیار پیچیده خارجیهای مقیم آسام است. منظور از این عده، کسانی هستند که طی ۲۰ سال گذشته بطور غیرقانونی وارد آسام شده اند. اکثر آنها از اهالی بنگلادش هستند و حضور آنها در آسام بارها به زد و خورد ها و کشتارهای خونین میان مردم بومی آسام و بنگالیها انجامیده است.

در قرارداد اخیر که پس از شش سال ناآرام، نخستین گام در جهت کاهش تشنجات در این ایالت هند به شمار می رود، پرداختن به مسائل مربوط به هویت، موقعیت شهروندی، حقوق انتخاباتی و سایر مسائل مهاجرین پیش بینی شده است. علاوه بر این، قرارداد استقلال آسامیها در زمینه زبان و فرهنگ را به رسمیت شناخته است. دولت مرکزی دهلی همچنین متعهد گردیده که کمک به رشد اقتصادی در این ایالت را افزایش دهد، سطح زندگی مردم را بالا برد و توجه ویژه ای به آموزش، آموزش عالی و تکنیک در این ایالت مبذول دارد. همچنین پیش بینی شده است که از مرزهای بین المللی آسام در برابر نفوذ خارجی حفاظت بیشتری به عمل آید. انحلال مجلس قانونگذاری، استعفاي دولت آسام و تشکیل یک کابینه موقت گامهای دیگری هستند که در قرارداد گنجانده شده اند.

در آمریکا

۲۲/۷ میلیون نفر در فقر بسر می برند

۲۲/۷ میلیون نفر از شهروندان ایالات متحده آمریکا طبق آمار رسمی دولت این کشور که اینک انتشار یافته است، زیر سطح تعیین شده فقر به سر می برند. بدین ترتیب ۱۴/۴ درصد مردم آمریکا دچار تنگدستی هستند. از میان سیاهپوستان، ۲۲/۸ درصد فقیرند. از هر پنج آمریکایی زیر ۱۸ سال، یک نفر در خانواده ای بزرگ می شود که دچار فقر است. ۲۴/۴ درصد از مادرانی که باید به تنهایی فرزندان خود را بزرگ کنند، در فقرند.

رئیس ضد جاسوسی آلمان فدرال به آلمان دمکر اتیک پناهنده شد

خبرگزاری رسمی آلمان دمکراتیک اعلام کرد: "هانس یوآفیم تیدگه، که سالها در سرویس مخفی آلمان فدرال مسئول بخش ضد جاسوسی بود، وارد جمهوری دمکراتیک آلمان شده و تقاضای پناهندگی سیاسی نموده است." پناهنده شدن رئیس ضد جاسوسی آلمان فدرال به آلمان دمکراتیک، به بحران سیاسی در درون دولت آلمان فدرال و برکناری رئیس سازمان امنیت این کشور انجامید.

از سوی دیگر مقامات رسمی آلمان دمکراتیک اعلام کردند در سال گذشته سرویس های جاسوسی آلمان فدرال متخلف شگفتیهای سختی شده اند و تنها از آغاز سال ۱۹۸۴ تا ژوئن ۱۹۸۵، ۱۶۸ جاسوس آلمان نرزی که وظیفه جنایت بار لانه زدن به آلمان دمکراتیک را داشتند، دستگیر شده اند.

زد و خوردهای مسلحانه میان ضد انقلابیون افغانی

این روزها ضد انقلابیون افغانی (که "فقیه عالیقدر" جمهوری اسلامی هیچ فرصتی برای آنتی دانتشان را از دست نمی دهد) سخت درگیر زد و خوردهای مسلحانه میان خود هستند. اشرار افغانی مستقر در پاکستان در روزهای اخیر علیه یکدیگر دست به عملیات مسلحانه زدند. تیراندازی میان حزب اسلامی و جمعیت اسلامی ده کشته به جای گذاشت. ضد انقلابیون مستقر در یک اردوگاه واقع در نزدیکی "علیپور" بر سر توریج آذوقه، لباس و مهمات به زد و خورد پرداختند. لازم به یادآوری است که اختلافات اشرار افغانی اغلب از همین قبیل است.

نلسون ماندلا، بار دیگر شرایط رژیم آپارتاید برای آزادی خود را رد کرد

مشهورترین زندانی سیاسی جهان است. رم به او مقام شهروند افتخاری داده است، بسیاری دانشگاههای جهان به او رتبه دکترای افتخاری را تقدیم کرده اند، خیابانهای زیادی به نام او است. به ماندلا جایزه های بین المللی به نام نبرو و سیمون بولیوار و... داده اند... یک استاد دانشگاه آمریکایی از دیدار اخیر خود با ماندلا در زندان نوشته است: "در تمام طول گفتگویم با وی احساس می کردم که دارم با یک رئیس کشور صحبت می کنم." واقعیت هم این است که اگر ماندلا سازمانش -

کنگره ملی آفریقا - هنوز به نمایندگی از سوی خلق حکومت را به دست نکرده اند، اما این میهن پرست بر قلب های میلیونها تن از مردم آفریقای جنوبی حکومت می کند. کواخ این امر، تظاهرات سه هزار نفره چهارشنبه گذشته در شهر کاب است که طی آن، مردم به سوی زندان بلسور راهپیمایی کرده و تویستار آزادی ماندلا شدند. پلیس از ادامه راهپیمایی به سوی زندان با توسل به گاز اشک آور جلوگیری به عمل آورد. در پیام تظاهرکنندگان به ماندلا آمده است: "تو رهبر واقعی خلق ما هستی. ما آرام نخواهیم گرفت تا آزادی شویم."

حزب کمونیست آفریقای جنوبی به انتشار نشریه ارکان خود، "کارگر" در داخل کشور پرداخته است. ارکان حزب کمونیست آفریقای جنوبی علی رغم مخفی بودن، هم اکنون وسیعا در میان مردم و به ویژه فعالین جنبش در حال اوج گیری، دست به دست می چرخد.

نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا ۲۲ ساله است در زندان رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به سر می برد، بار دیگر آزاد شدن به بیای قبول شرایه دیکته شده از سوی رژیم وارد کرد. وی این موضع را در مصاحبه با خبرنگاران آمریکایی در زندان مورد تاکید قرار داد. دولت آفریقای جنوبی برای چندمین بار به ماندلا پیام داده است که در صورت رد مبارزه علیه آپارتاید، می تواند از زندان آزاد شود. اما ماندلا می گوید: "من نمی توانم دست به سینه کوشه ای بنشینم. من می خواهم مانند یک انسان آزاد زندگی کنم."

شخصیت ماندلا رهبر مبارزات ضد نژادپرستی آفریقای جنوبی آنچنان برجسته است که این روزها ملبوعات غرب نیز در ارتباط با اوچ گیری جنبش ضد آپارتاید، کوشه های از عظمت بایداری این انقلابی بزرگ را بازتاب می دهند. روزنامه انگلیسی تایمز می نویسد:

"ماندلا که امروز ۶۶ سال دارد، در سال ۱۹۶۴ به زندان ابد محکوم شد. مقامات آفریقای جنوبی در آن زمان گمان می کردند که این فرد سازمانی که او رهبری می کرد، یعنی کنگره ملی آفریقا، به زودی فراموش خواهند شد. آنها هم به نفوذ فردی باور نکردنی ماندلا و هم به امری که از آن دفاع می کرد، کم بیاداده بودند. پس از دودهم زندان، نام ماندلا احتمالا از نام هر فرد دیگر اهل آفریقای جنوبی مشهورتر است." در "فرانکفورتر آلمانیه" چاپ آلمان فدرال آمده است: "ماندلا) احتمالا



رژیم آپارتاید آنچنان دستپاچه شده است که کودکان را دستگیر می کند.

سدما دانش آموز هفته گذشته به جرم شرکت در تظاهرات بازداشت شدند و فرار است محاکمه شوند.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره توطئه اعدام و کشتار رهبران زندانی سازمان

هم میبایست گرامی!
مردم مبارز ایران!

حکام جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی، توطئه خونینی را برای اعدام و کشتار تبعیتارانه و سر به نیست کردن رهبران در بند سازمان ما، طرح ریخته و اجرای آنرا تدارک می بینند. انتشار اخبار مآکلات و اعدامهای مختلف، توسط رژیمیان خمینی، بمنظور زمینه سازی اجرای نقشه های جنایتکارانه شان، گویای جدی و فوری بودن خطری است که علیه جان این فرزندان قهرمان خلق تدارک گردیده است. خبرهای رسیده حاکی است که برای رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بیدادگاههای در بسته حکام مرتجع خمینی، مخفیانه حکم اعدام صادر کرده و این حکم را برای تأیید به شوراب عالی قضایی فرستاده اند.

رفیق رضی الدین تابان، از انقلابیون سرشناس و با سابقه دوران مبارزه عایه رژیم شاه و از رهبران برجسته جنبش دانشجویی و جوانان کشور است که طی ۲ سال گذشته قهرمانانه و با پایمردی پیلادین زیر شکنجه های وحشیانه و مستمر جسمی و روانی ایستادگی کرده است. رفیق رضی الدین تابان در میان زندانیان رژیم جمهوری اسلامی بعنوان مایه مقاومت در برابر جلادان، مظهر سرفرازمندان و ایمان به خلق، شناخته شده است.

رفیق انوشیروان لاهی عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، طی ۲ سال گذشته در جبهه درخیمان جمهوری اسلامی، زیر شکنجه های وحشیانه قرار داشته است. رژیم تا روزی از اعلام رسمی، هرگونه خبری درباره او خودداری کرده است. توطئه قتل جنایتکارانه در زیر شکنجه، جان وی را به طور جدی تهدید می کند. رفیق انوشیر و ان لاهی که از مبارزین برجسته و سرشناس و با سابقه جنبش انقلابی ایران است، هم در رژیم شاه و هم در رژیم جمهوری اسلامی زیر انواع شکنجه های وحشیانه و بی قفه، دلیرانه در برابر دشمن ایستاده است. این توطئه، جان دیگر رفقای کمیته مرکزی سازمان ما را که طی سالهای گذشته در چنانال دشمن اسیر بوده و مدتهاست زیر شدیدترین شکنجه های جلادان خمینی همچنان شجاعانه ایستادگی می کنند، تهدید می کند.

رژیم جمهوری اسلامی که در نقشه منطقی کردن سازمان فدائیان خلق و لایحه زدن به اعتباران منتضحانه شکست خورده، رژیمی که از شکنجه های وحشیانه رهبران اسیر سازمان راه بجایی نبرده و در رسیدن به اهداف باید خود، تکام منزه است، اینک به تلافی آن شکست، اعدام و کشتار تبعیتارانه رهبران اسیر سازمان را تدارک دیده است.

مردم مبارز ایران!

خمینی از اوج تیرگی، مبارزه شما علیه جمهوری اسلامی در مراس است. او می داند که فدائیان خلق برای پیروزی مبارزات بی شام مرکز از پای نخواهند نشست. از اینرو توطئه تازه ای را برای نابودی فرزندان قهرمان شما در زندانها تدارک دیده است. حکام سفاک رژیم، با تکیه بر همین باید شخص خمینی از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. آنان طی سال گذشته، رفیق قربانعلی موذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان و رفقا تقی قانع خشنه بیجاری، مرتضی میثمی، منصور پورجم و... از کادربان برجسته سازمان را پس از شکنجه های وحشیانه به قتل رسانیده و سر به نیست کرده اند، چرا که این فرزندان قهرمان خلق با مقاومتی پیلادین در برابر ارتجاع ایستادند و دلیرانه از آرمان کمونیسم و از صلح و آزادی، از استقلال و بحاکمیت سوسیالیسم دفاع کردند.

رژیم ارتجاعی و ضد مردمی خمینی میبایست حاضر نیست دادگاه علنی برای فدائیان خلق تشکیل دهد. زیرا دادگاه فدائیان خلق دادگاه محکومیت جنایات و جنایتهای رژیم خمینی، دادگاه دفاع از صلح و آزادی، دفاع از سارگران و دهقانان و محکمه رسوایی این هیات حاکمه مرتجع است.

هم میبایست مبارز!

برای خنثی کردن توطئه اعدام و کشتار جنایتکارانه فرزندان انقلابی و میهن پرست و قهرمان خلق، که عملی جز مبارزه در راه پیروزی شما، نابودی ظلم و ستم و استقرار و ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک و صلح دوست انجام نداده اند، اعتراض کنید. خمینی جلاد را از ارتکاب این جنایت بازدارید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه احزاب و سازمانها و نیروهای ترقیخواه و انقلابی ایران دعوت می کند که در افشای توطئه رژیم و دفاع از جان فدائیان اسیر، سازمان را یاری کنید. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه نیروهای ترقیخواه و آزادیخواه جهان و از همه نهادهای سازمانهای، بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی تقاضا دارد که همه توان خود را بکار گرفته، رژیم جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند تا از اجرای احکام اعدام و کشتار رهبران زندانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جلوگیری شود.

درد به زندانیان سیاسی ایران!

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی؛
مرکز بر امپریالیسم جهانی بسرتردگی امپریالیسم آمریکا!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۵ مرداد ۱۳۶۴

نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به جناب آقای خاویز پیرزاد و کوثیار دبیر کل سازمان ملل متحد!

با احترام به اطلاع می رساند:

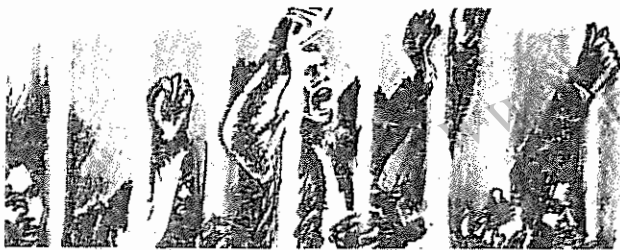
همان توری که مطلع هستید، کشتار انقلابیون و میهن پرستان، در زندانهای جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. مطالبه خیرهای رسیده از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی تعداد بیشماری از کادرها و اعضا سازمان ما همچنان زیر شکنجه های شدید جسمی و روانی و خطر مرگ قرار دارند.

رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان ما و از رهبران برجسته و پر سابقه جنبش دانشجویی ایران را که طی سه سال گذشته زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داشته، به مرگ محکوم کرده و حکم اعدام برای، تأیید به شوراب عالی قضایی ارسال شده است. همچنین انوشیروان لاهی عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما و از مبارزین سرشناس و با سابقه جنبش انقلابی ایران، همچنان زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارد و جانش به طور جدی در خطر است.

علاوه بر این، برخی دبیر از اعضای کمیته مرکزی و بسیاری از کادربان سازمان ما زیر شکنجه های وحشیانه، قرار دارند و اخیراً کشته شدن زیر شکنجه و اعدام جان، این رفقای ما را جداگانه تهدید می کند.

در سال گذشته قربانعلی موذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی، مرتضی میثمی کادربان برجسته و نماینده سازمان، برای انتخابات مجلس شورای اسلامی، تقی قانع خشنه بیجاری و منعم پورجم از کادربان سازمان ما و از فعالین سرشناس جنبش مردمی ایران، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی زیر شکنجه و در میدان های اعدام کشته شده اند.

ما از شما در مقام دبیر کل سازمان ملل متحد، تقاضا داریم که کلیه مساعی خود را بکار گیرید تا از اجرای حکم اعدام رضی الدین تابان و کشته شدن انوشیروان لاهی و دبیر اعضای کمیته مرکزی سازمان و کادربان آن در زندان جمهوری اسلامی و تحقق مقاصد جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری بعمل آید.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



جهان خواستار زنجیر زدن بردستان خونریز خمینی است

بجراستار اقدامات معینی به دستور دبیران جهان رفقا انوشیروان لاهی و رضی الدین تابان و دو تن از زندانیان توده ای گردیده است.

عفو بین المللی در این فراخوان به تعهدات جمهوری اسلامی نسبت به مسویات کنوانسیون سال ۱۹۷۵ پیرامون حقوق سیاسی ومدنی اشاره کرده و اعلام داشت:

عفو بین المللی جدا نسبت به کشته اعدامی که در ایران برپا دارد، تکران است

انتشار خبر صدور احکام تازه اعدامها علیه زندانیان فدائی وتوده ای، توسط رژیم ددمش خمینی، از جبار جهانیان را برانگیخته است. در پشتیبانی از این زندانیان و از جمله رفقا انوشیروان لاهی و رضی الدین تابان و برای نجات جان آنان از جانب احزاب و سازمانهای مترقی و پیشرو تا کنون اقدامات متعددی صورت گرفته است.

علاوه بر این، مجامع بین المللی نیز نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران هر چه بیشتر ابراز نگرانی می نمایند و در قبال انتشار آشتار و بی پروای جمهوری اسلامی نسبت به قوانین بین المللی واکنش نشان می دهند. از جمله این سازمانها، سازمان عفو بین المللی است که طی دستور العملی در تاریخ ۵ اوت،

AKSARIYAT
NO. 72
MONDAY SEP 1 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY